

مدرسه علمیه تخصصی آیت الله ابروانی (ره) | ۶۵ صفحه | پاییز و زمستان ۱۴۰۳

# منتظران

فصلنامه فرهنگی، تربیتی و اجتماعی

زنان مقاومت، قصه دیروز و امروز | صفحه ۱۰

حضرت زهرا (س) در کلام بزرگان | صفحه ۱۲

آرایش های نوپدید | صفحه ۲۸

شعر مادر هفت آسمان | صفحه ۵۴







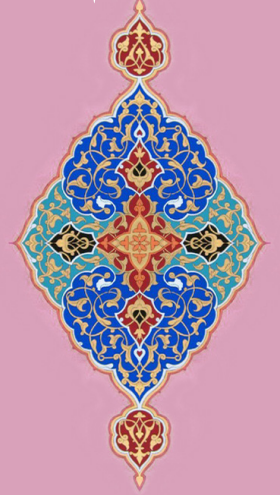
درباره زهرای اطهر (سلام الله علیها) هرچه انسان بیشتر فکر کند و در حالات آن بزرگوار تدبّر کند، بیشتر دچار شگفتی خواهد شد. انسان نه فقط از این جهت تعجب میکند که چطور یک انسان در سنین جوانی میتواند به این رتبه از کمالات معنوی و مادی نایل شود - که البته این، خود، یک حقیقت شگفت‌انگیز است - بلکه بیشتر از این جهت در عجب است که اسلام با چه قدرت عجیبی توانسته است تربیت والای خود را به حدی برساند که یک زن جوان، در آن شرایط دشوار، بتواند این منزلت عالی را کسب کند! هم عظمت این موجود و این انسان والا شگفت‌انگیز است، هم عظمت مکتبی که این موجود عظیم‌القدر و جلیل‌المنزلة را پدید آورده است، تعجب آور و شگفت‌انگیز است.

۱۳۷۱/۹/۲۵



# منتظران

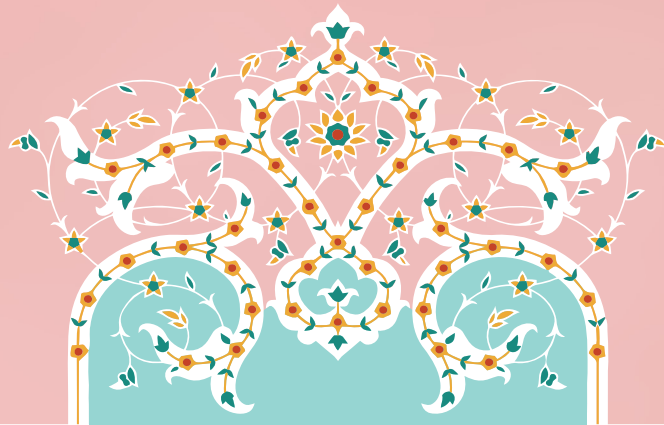
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: مدرسه علمیه تخصصی آیت الله میرزایوسف ایروانی (رحمة الله علیه)  
مدیر مسئول: سکینه عسکری وزیر  
سردبیر: ثاره شمشاد  
هیئت تحریریه: وجیهه نوروزی | راضیه سلیمانیان | حکیمه احسانی | ثاره شمشاد  
اعضای تحریریه: فاطمه مال میرا | زینب تقیلو | فرخنده سادات | آمنه قربانی | انیس  
وفائیان | سمیه صفار | زینب کلهری | نرگس اسدی | محدثه سعیدی | ساجده  
سادات موسوی | مینا حسنونند | نازنین زهرا نعمتی | فاطمه عباسی | مائده  
جوشقان نژاد | زهرا بحرانی | زهرا حیدریان | کبری شجیراتی  
گروه ویراستار: ثاره شمشاد | فاطمه بیدخوری  
طراح گرافیک: رضا عسکری  
نشانی: قم، پردیسان، انتهای خیابان سبلان، تقاطع بلوار ۲۲ بهمن، نیش خیابان  
اقليمی، مدرسه علمیه تخصصی آیت الله میرزایوسف ایروانی (رحمة الله علیه)  
وبگاه مدرسه: irvani.whc.ir

۵	طبیعه   جان جهان   .....
۶	تقویم فصل .....
۱۰	بصیرت منتظران   زنان مقاومت، قصه دیروز و امروز   حکیمه احسانی .....
۱۲	مادر منتظران   حضرت زهرا (س) در کلام بزرگان   نازنین زهرا نعمتی .....
۱۴	الگوی منتظران   بهترین مادر (فاطمه کفیل)   سمیه صفار .....
۱۸	حیات منتظران   ستاره ای پرفروغ / زندگی بانو مجتهده امین   زهرا بحرانی .....
۲۰	حجاب منتظران   حجاب حق الهی   زینب تقیلو .....
۲۲	مقاله   نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب   نرگس اسدی .....
۲۶	قوانین آموزشی   گفت و گویی با واحد آموزش حوزه   الهام کارگر .....
۲۸	احکام منتظران   آرایش های نوپدید   فاطمه المیر .....
۳۰	ماه منتظران   چه ماه شریفی است این ماه   ثاره شمشاد .....
۳۴	مشاوره منتظران   خدایا وظیفه ام چیست؟ (موسوی مقدم)   آمنه قربانی .....
۳۶	گزارش   دوره تربیت مربی حفظ قرآن کریم   راضیه سلیمان .....
۳۸	سبک زندگی منتظران   همسر عزیز و مهربانم چگونه حق شما را اداء کنم؟   ساجده سادات موسوی .....
۴۲	گلزار منتظران   دختر مبارز، زندگی شهیده ناهید فاتحی کرجو   مائده جوشقان نژاد .....
۴۴	معرفی کتاب   آمنه قربانی و محدثه سعیدی .....
۴۶	خاطره   آن شب فراموش نشدنی   انیس وفائیان .....
۵۲	دلنوشته   ایرانم امن و امان است   انیس وفائیان .....
۵۴	شعر منتظران   مادر هفت آسمان، فلسطین   کبری شجیراتی و فاطمه عباسی .....
۵۸	سلامت منتظران   ویژگی یک خواب آرام و مناسب   زینب کلهری .....
۶۱	آشپزی   قطاب یزدی   زهرا حیدریان .....
۶۲	گزارش تصویری فعالیت معاونت های مدرسه .....





### فرازی از خطبه فدکیّه حضرت زهرا سلام الله علیها

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ  
سپاس و ستایش خداوند را به خاطر نعمتهایی که ارزانی داشت، و او را شکر به خاطر آن  
چه الهام کرد، مدح و ثنا شایسته اوست به خاطر هر آنچه که از پیش فرستاد،  
مِنْ عُمومِ نِعَمِ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُوغِ آلاءِ أَسْدَاهَا، وَ تَمَامِ مَنَنِ أَوْلَاهَا  
از عموم نعمتهایی که بدون درخواست انسانها عطا فرمود، و فراوانی عطایایی که مرحمت  
نمود و احسان های کاملی که روا داشت.  
جَمَّ عَنِ الْإِخْصَاءِ عَدَدُهَا وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَ تَقَاوَتِ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا.  
و آن ها بیش از آن است که به شمار آید، و والاتر از آن است که جبران گردد و پایندگی اش  
فرا تر از آن است که به اندیشه آید.  
وَ نَدَبُهُمْ لِإِسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتِحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا وَ ثَنَّى بِالنَّدْبِ  
إِلَى أَمْثَالِهَا.  
آفریدگان را به ستایش خود تشویق فرمود تا نعمت را بر آنان فزونی بخشد و پیوسته  
گرداند. نعمت فراوان بخشید و شکر آن را خواستار شد، و با دعوت دوباره بندگان به شکر  
نعمت، خواست تا نعمت را دو چندان کند.

### یادداشت سردبیر

با استعانت از بانوی نور و برکت حضرت فاطمه زهرا صدیقه کبری (سلام الله علیها) بر آن شدیم که این شماره از نشریه را به نقش الگویی و شخصیت برجسته ایشان و بطور کلی جایگاه و ارزش زنان و مادران اختصاص دهیم. اهم محتوای نشریه به شرح ذیل است:  
زنان مقاومت، فضائل ماه رجب، مصاحبه، مشاوره و گزارشهای اختصاصی معاونت های مدرسه.  
مطالب این نشریه مقارن با ولادت با سعادت حضرت صدیقه طاهره (س) تدوین شده است. امید که با عنایت ایشان، همه زنان عالم از اسوه اخلاق و ایمان سرمشق گیرند و روش و منش حضرت را در همه ابعاد زندگی خود بکار بندند.



# جان جهان

بتو دل بستم و غیر تو کسی نیست مرا  
عاشق روی توام ای گل بی مثل و مثال  
با تو هستم ز تو هرگز نشدم دور، ولی  
پَرده از روی بینداز بجان تو قسم  
گر نباشی برم ای پردگی هر جائی  
مده از جنت و از حور و قصورم خبری

جُز تو ای جان جهان دادرسی نیست مرا  
بخدا غیر تو هرگز هوسی نیست مرا  
چه توان کرد که بانگ جرسی نیست مرا  
غیر دیدار رُخت ملتَمسی نیست مرا  
ارزش قُدس چو بال مگسی نیست مرا  
جز رُخ دوست نظر سوی کسی نیست مرا

دیوان امام خمینی (ره)، صفحه ۸۴





۲۱

مهر  
شنبه

۸ ربیع الثانی ۱۴۴۶

مناسبت روز: ولادت امام حسن عسکری علیه السلام  
یادداشت روز: فی حدیث منسوب إلی العسکری علیه السلام قال: نحن حجج الله علی خلقه، و جدتنا فاطمة حجة الله علينا .

عوالم العلوم و المعارف ، جلد ۱۱ ، صفحه ۱۵۳

۲۳

مهر  
دوشنبه

۱۰ ربیع الثانی ۱۴۴۶

مناسبت روز: وفات حضرت معصومه سلام الله علیها  
یادداشت روز:

زمانی که حضرت معصومه علیها السلام در ساوه بیمار می شود، به اطرافیان خود می فرماید: مرا به قم ببرید. آن گاه این روایت را بیان می نماید: «از پدرم شنیدم که فرمود: قم مرکز شیعیان است.» (از کتاب دریای سخن)

سقزاده تبریزی، ص ۲۸

۱۷

آبان  
پنج شنبه

۵ جمادی الاول ۱۴۴۶

مناسبت روز: ولادت حضرت زینب سلام الله علیها  
یادداشت روز:

ای ز دیدار رخت جان پیمبر روشن  
در سرا پرده عصمت که ملک راه نداشت  
یثرب آرفخر فروشد به فلک نیست عجب  
تیرگی نیست در آن سینه که مهر تو در اوست

دیده حق نگر ساقی کوثر روشن  
از جمالت دل صدیقه اطهر روشن  
که شد از نور تو آش مطلع و منظر روشن  
که ز مهر تو شده سینه حیدر روشن

۱۵

آذر  
پنجشنبه

۳ جمادی الثانی ۱۴۴۶

مناسبت روز: شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها  
یادداشت روز: کانت فاطمة علیها السلام تنهج فی صلاتها من خوف الله تعالی.  
حضرت فاطمه علیها السلام در نمازش از ترس خدا نفس نفس می زد - وگریه در گلویش می شکست -.

ارشاد القلوب صفحه ۱۰۵

۲

دی  
یکشنبه

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۶

مناسبت روز: ولادت حضرت زهرا (س) روز زن / تولد حضرت امام خمینی (ره) / شهادت سردار قاسم سلیمانی  
یادداشت روز:

ای از لیبست، به تربت تو مُخَمَّر وی ابدیت، به طلعت تو مُقَرَّر  
آیت رحمت ز جلوه تو هویدا رایت قدرت در آستین تو مُضَمَّر  
وین نه عجب، زانکه نور اوست ز زهرا نور وی از حیدر است و او ز پیمبر  
نور خدا در رسول اکرم پیدا کرد تجلی ز وی به حیدر صفدر  
امام خمینی (ره)

۹

دی  
یکشنبه

۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۶

مناسبت روز: روز بصیرت و میثاق امت با ولایت  
یادداشت روز: رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای می فرمایند: «(۹ دی یک نمونه ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه ای دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند.»

(۱۳۹۰/۹/۲۱)

۱۵

دی  
شنبه

۳ رجب ۱۴۴۶

مناسبت روز: شهادت امام علی النقی الهادی (علیه السلام)

یادداشت روز: امام علی النقی الهادی (علیه السلام) می فرمایند: «الْشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أَوْجَبَتْ الشُّكْرَ لِأَنَّ النِّعَمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرُ نِعْمٌ وَ عُقْبَى «خوشبختی شکرگزاری برای شاکر، بیشتر از خوشبختی او به نعمتهایی است که موجب شکر شده است؛ زیرا نعمت ها متاعی [فانی] است اما شکر، نعمت و عاقبت است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۵)



## دی ۱۹ چهارشنبه

۷ رجب ۱۴۴۶

مناسبت روز: قیام خونین مردم قم (۱۳۵۶.ه.ش)

**یادداشت روز:** رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۳ در دیدار مردم قم به مناسبت بزرگداشت ۱۹ دی ماه بیان داشتند: «آنچه در درجه اول به مناسبت نوزدهم دی ماه که یک روز تاریخی و بزرگ و تعیین کننده است، لازم است عرض بکنم تشکر از مردم عزیز قم است، به خاطر اینکه نگذاشتند و نخواهند گذاشت که این حادثه به دست فراموشی سپرده بشود؛ چون انگیزه هایی وجود دارد برای فراموش کردن و در طاق نسیان گذاشتن این روزهای بزرگ و این حوادث بزرگ؛ کار می کنند و تلاش می کنند برای این که سوابق تعیین کننده و عموماً افتخارآمیز برای انقلاب و دوران دفاع مقدس و امثال اینها، فراموش بشود»

## ۲۷ بهمن پنجشنبه

۱۵ رجب ۱۴۴۵

مناسبت روز: ارتحال حضرت زینب (سلام الله علیها)

**یادداشت روز:** امام سجاد(ع) خطاب به حضرت زینب(س) می فرمایند: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ، فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ»

[ای زینب! تو، بحمدالله، عالمی هستی که نزد کسی تعلیم ندیدی و دانایی هستی که نزد کسی نیاموختی.

(بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴)

## دی ۲۵ سه شنبه

۱۳ رجب ۱۴۴۶

مناسبت روز: ولادت امام علی (علیه السلام) / ایام البیض (اعتکاف) یادداشت روز:

راز خلقت همه پنهان شده در عین علی است روز و شب از تو قضا از تو قدر می گوید می رسد دست شکوه تو به سقف ملکوت نه فقط دست زمین از تو تو را می خواهد زیر پای تو به زانوی ادب بنشیند

کهکشان ها نخی از وصله نعلین علی است «ها علی بشتر کیف بشر» می گوید «ای که فتح ملکوت است برای تو هبوط سالیانی ست که معراج خدا می خواهد حظه ای جای یتیمان عرب بنشیند (حمید رضا برقعی)

## ۷ بهمن یکشنبه

۲۵ رجب ۱۴۴۶

مناسبت روز: شهادت حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

**یادداشت روز:** با وجود آنکه پیشوای هفتم از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳۳.ق در بازداشت به سر می برد، باز هارون از ناحیه او احساس خطر می کرد، زیرا او را نقطه امید روشنی می دانست که چشم مردم محروم و مستضعف، از چهارگوشه کشور اسلامی به سوی او دوخته شده، و او تبلور آرمان ها و افکار مسلمانان بود. هارون که تمام نقشه های خود را به منظور کاستن از نفوذ و قدرت پیشوای هفتم، و یا تسلیم نمودن او، بی اثر می دید، مخفیانه دستور مسموم کردن امام را صادر کرد. این دستور طبق مشهور توسط رئیس پلیس بغداد یعنی «سندی بن شاهک» به مورد اجرا گذاشته شد و پیشوای هفتم با وضع دلخراشی در زندان بغداد به شهادت رسید. (سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۴۸۶)

## دی ۲۹ شنبه

۱۷ رجب ۱۴۴۶

مناسبت روز: روز غزه یادداشت روز:

شب به صبحش می رسد اما به چشم خواب؟، نه خواب با این قلب پر آشوبی ی بی تاب؟، نه جز فلسطین در خیالم نیست حتی واژه ای دلبر در فکر ابرویت دگر محراب، نه! ...

## ۹ بهمن سه شنبه

۲۷ رجب ۱۴۴۶

مناسبت روز: مبعث حضرت رسول اکرم (ص)

**یادداشت روز:** به گفته مفسران شیعه و اهل سنت، هنگام حضور پیامبر (ص) در کوه حراء، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای محمد بخوان! پیامبر (ص) گفت: من قرائت کننده نیستم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و فشرد و بار دیگر گفت: بخوان! پیامبر (ص) همان جواب را تکرار کرد. بار دوم نیز جبرئیل این کار را کرد و همان جواب را شنید، و در سومین بار گفت: «إِنِّرَأُ بِإِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... (تا آخر آیات پنجگانه)». این سخن را گفت و از دیده پیامبر (ص) پنهان شد. رسول خدا (ص) که با دریافت نخستین وحی، سخت خسته شده بود به سراغ خدیجه (س) آمد و فرمود: «زَمِّلُونِي وَدَثِّرُونِي» مرا بپوشانید و جامه ای بر من بیفکنید تا استراحت کنم.

(مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۷۸۰)



بهمن  
جمعه

۱۲

۱۴ شعبان ۱۴۴۶

**مناسبت روز:** بازگشت حضرت امام خمینی (ره) به ایران و آغاز دهه فجر انقلاب اسلامی  
**یادداشت روز:** امام خمینی (ره): «اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست ها مقاومت می کنند... شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند... آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت و چگونه خون برشمشیر و ایمان برکفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت.»

بهمن  
یکشنبه

۱۴

۳ شعبان ۱۴۴۶

**مناسبت روز:** ولادت حضرت امام حسین (ع) و روز پاسدار  
**یادداشت روز:**

إِلٰهِي فَلَيْكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سُرْمَدًا يَزِيدُ وَلَا يَنْبِيدُ كَمَا تُحِبُّ  
وَتَرْضَى

محبوب من! می ستایمت ابدی و دائمی و همیشگی و روزافزون  
عشق بازی می کنم با نامت و لبخند رضایت تو، بهار من است.

فراری از مناجات شعبانیه

بهمن  
دوشنبه

۲۲

۱۱ شعبان ۱۴۴۶

**مناسبت روز:** پیروزی انقلاب اسلامی

**یادداشت روز:** حضرت آیت الله خامنه ای :  
« انقلاب اسلامی یک حقیقت و برخاسته‌ی  
از یک سنت الهی است؛ این را نمی شود از  
بین برد و یا متزلزل کرد.» (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)

بهمن  
یکشنبه

۲۶

۱۵ شعبان ۱۴۴۵

**مناسبت روز:** ولادت حضرت بقیه الله الاعظم (عج) یادداشت روز:

محمد بن مسلم ثقفی گوید: از امام پنجم ابو جعفر محمد بن علی (ع) شنیدم می فرمود: «قائم ما به ترس در دل دشمنان یاری شده است و به یاری حق تأیید شده است. زمین برایش در نور، دیده شود و گنج ها برایش آشکار گردد و تسلطش مشرق و مغرب را فراگیرد و خدای عزوجل با او دین خود را بر همه دین ها پیروز کند و اگر چه مشرکان را بد آید، در زمین ویرانه ای نماند جز آنکه آباد گردد و خدا روح الله عیسی بن مریم را فرود آورد تا دنبال او نماز بخواند.» گوید عرض کردم یابن رسول الله کی قائم شما خروج کند؟ فرمود: «آنگاه که مردان به زنان مانند شوند و زنان بمردان ... و گواهان دروغ پذیرفته شود و گواهان عادل و درست مردود شوند، مردم خونریزی و زنا را سبک شمارند و ربا را حلال دانند و اشار از ترس زبانشان مورد پرهیز باشند و سفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن، در بیداء خسف واقع شود و جوانی نوری از خاندان محمد (ص) میان رکن و مقام کشته شود که نامش محمد بن حسن نفس زکیه باشد و یک فریاد از آسمان برآید که حق با او و شیعیان او است. در این هنگام است خروج قائم ما، چون ظاهر شود تکیه به خانه کعبه دهد و سیصد و سیزده مرد گرد او فراهم شوند و اول سخنش این آیه باشد: بقیة الله خير لكم ان كنتم مؤمنين (سوره هود/۸۶) سپس گوید من بقیة الله و حجت خدا و خلیفه او هستم بر شما و هیچ مؤمنی نباشد مگر آنکه به این لفظ او را سلام دهد السلام عليك يا بقیة الله في ارضه و چون عقد که ده هزار مرد باشد برای او فراهم شود خروج کند و در زمین معبودی جز خدای عزوجل نماند از صنم و وثن و جز آن مگر آنکه آتش گیرد و بسوزد و این بعد از یک غیبت طولانی باشد، برای آنکه خدا بداند چه کسی در غیبت او را اطاعت کند و به او ایمان آورد.  
(کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ترجمه کمرهای، ج۱، ص۴۴۸)



**۲۱****اسفند  
سه شنبه**

۱۵ رمضان ۱۴۴۶

مناسبت روز: وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها

یادداشت روز:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار زن سرور زنان جهان خود می باشند که عبارتند از مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (ص)، و بهترین آنها در جهان فاطمه (س) است»

ذخائر العقبی، ص ۴۴

**۲۲****اسفند  
چهارشنبه**

۱۱ رمضان ۱۴۴۶

مناسبت روز: روز بزرگداشت شهدا یادداشت روز:

ما سینه زدیم، بی صدا باریدند از هر چه که دم زدیم، آنها دیدند ما مدعیان صف اول بودیم از آخر مجلس شهدا را چیدند (حضرت آیت الله خامنه ای)

**۲۶****اسفند  
یکشنبه**

۱۵ رمضان ۱۴۴۶

مناسبت روز: ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام

یادداشت روز:

امام حسن علیه السلام می فرمایند: انا الضامن لمن لم یهجس فی قلبه الا لرضا ان یدعو الله فیستجاب. «من ضمانت میکنم که خدا دعای کسی را که در دلش هوایی جز خشنودی خدا خطور نکند، مستجاب کند».

کافی، ج ۲، ص ۶۲

**۳۰****اسفند  
پنجشنبه**

۱۹ رمضان ۱۴۴۶

مناسبت روز: ضربت خوردن امام علی (علیه السلام)

یادداشت روز: لَمَّا صَرَبَهُ ابْنُ مَلْجَمٍ - : فَزَتْ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ امام علی علیه السلام - پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم - فرمود: به خداوند کعبه سوگند که رستگار شدم.

بحار الانوار ج ۴۵ ص ۳۳۹



## زنان مقاومت، قصه دیروز و امروز

◀ حکیمه احسانی، استاد و پژوهشگر حوزه علمیه خواهران

در اغلب جوامع بشری، بانوان به عنوان ستون‌های مدنیت اجتماعی در مقاومت‌های ملی و مذهبی نقش‌آفرینی‌های مؤثری داشته‌اند. زنان همواره در حفظ و پایداری اسلام، نقش شگرفی ایفا کرده و در کنار مردان حضور داشته‌اند؛ زنان مسلمان از صدر اسلام همواره دوش به دوش مردان و حتی جلوتر از آنها در حفظ و ترویج اسلام و به دنبال آن شکل‌گیری فرهنگ مقاومت تلاش کرده‌اند. شرکت زنان در بیعت با رسول خدا، در مهاجرت و سایر فرایض سیاسی اجتماعی و فرهنگی، جنگ و فتوحات و مسایل اجتماعی مانند: امر به معروف و نهی از منکر بر حضور آنان عظمت خاصی بخشیده است. به دلیل اهمیت این فریضه قرآن کریم مشارکت زنان در مسائل سیاسی را در قالب بیعت مورد تأیید قرار داده است (ممتحنه / ۱۲). در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده: «کسی که راضی باشد به امر یا چیزی، مانند کسی است که آن کار را انجام داده است» (علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۹).

حضرت فاطمه (س) به عنوان اسوه ایتار و مقاومت، همواره حق‌طلبی را بر نادیده گرفتن، تحرک را بر در جازدن و مبارزه در برابر باطل را بر سکوت ترجیح دادند و تاریخ رفتار سیاسی آن حضرت چنان بر جهان اسلام تأثیر داشت که جریان انحرافی اموی نتوانست به اهدافش - تغییر ماهیت قرآن و اسلام - برسد.







امام امت نقش مؤثر زنان در پیروزی انقلاب را این‌گونه توصیف می‌کنند: «شما در چه تاریخی چنین دیده‌اید؟ امروز زن‌های شیردل، طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک می‌روند، در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟!» و تأکید دارند: «آمدن شما خانم‌ها به خیابان‌ها و میدان‌های مبارزه موجب این شد که مردها هم قوت پیدا بکنند، تقویت بشوند، روحیه آن‌ها هم با آمدن شما تقویت بشود.» امام خمینی تأکید داشتند: «ما نهضت خودمان را مدیون زن‌ها می‌دانیم»

چنانکه مقام معظم رهبری (حفظه الله) فرمودند «... ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر نبود. اگر زن‌ها حماسه جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س)، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵).

وقتی تاریخ را ورق می‌زنیم شاهد نقش آفرینی‌های زنان در همه عرصه‌ها در جنگها و گاهی هم نقش آفرینی‌های در پشت جبهه و خط مقدم امروز هم شاهد همان نقش آفرینی‌ها به همان شکل و شاید کمی متفاوت‌تر هستیم زنان مسلمان در بحث مقاومت علاوه به نقش تربیتی خود کمک‌های زیادی به جبهه مقاومت کرده‌اند.

زنان کشورهای مسلمان در لبنان، سوریه، عراق و به ویژه در فلسطین علاوه بر نقش تربیتی خود، در جنگ‌های نظامی به صورت مستقیم شرکت داشته‌اند؛ زنان فلسطین نیز با بصیرت به مبارزه با دشمنان ایستاده‌اند و به‌رغم همه فشارهای ناشی از محاصره، جنایت و اشغالگری باز یک قدم از آرمان‌های اسلام و اصل مقاومت کوتاه نیامده‌اند؛ زیرا آتشی که زنان فلسطینی در دل فرزندان خود روشن نگاه داشته‌اند اکنون به شکل آتشفشانی درآمده است که در قالب انتفاضه در حال سوزاندن ریشه اشغالگران صهیونیستی است. تا آنجا که امروز شاهد مقاومت زنان رنج‌کشیده غزه به عنوان بهترین مصداق اسلامی زنان مقاوم عصر حاضر هستیم؛ زنانی که در نهایت رضایت و شکر، با دست خود غنچه‌های پرپر شده شهیدان‌شان را مانند بذر به دل خاک می‌سپارند. شهادت چند هزار کودک، خود گواه قدرت یقین این مادران است که به خداوند، دین، میهن و فرزندان غیور خود ایمان دارند و ایستاده‌اند تا نگاه تاریخ را به شرافت فرزندان مقاومت اسلامی تغییر دهند و برای دستیابی به این هدف ارزشمند، همراه مردان و جوانان در برابر استکبار جهانی به‌ویژه آمریکا و اسرائیل مبارزه می‌کنند.

همچنین نحوه عملکرد زنان و مادران ایرانی در تربیت فرزندان با ایمان، تشکیل هسته‌های مقاومت و پشتیبانی دارد. چنانکه در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، نشان‌دهنده الگوبرداری این بانوان از شیوه زندگی حضرت زهرا(س) و زینب کبری(س) است. و با لبیک گفتن به امر ولایت در این امر خطیر نقش آفرینی کردند و از هر چه داشتند از حلقه ازدواج تا بهترین وسایل زر خود گذشتند. و هدایای گرانبسنگی تقدیم ایران همدل به خاطر لبنان و جبهه مقاومت کردند. زنان ایرانی نقش بسیار اساسی و تعیین‌کننده در پویایی مقاومت و ایستادگی در مقابل بیگانگان و دشمنان در طول تاریخ نشان دادند. آنها نه تنها خود را در سرنوشت جنگ مسئول می‌دانستند بلکه به جهت پایداری در صحنه‌های نبرد بوده‌اند. کمک‌های همدلانه زنان ایرانی که هریک از این بانوان اسطوره‌های مقاومت زن ایرانی را به نمایش گذاشتند فرهنگ اصیل و پربار اسلام با آیات خود که حکایت از برابری زن و مرد در فلسفه آفرینش، ارزش انسانی و سیر تکاملی عبادت می‌کند با خطابه‌ای «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین امنوا» نقش آن دورا در نشر و ترویج احکام اسلام نیز به طور یکسان در نظر گرفته است.



# حضرت فاطمه (س) در کلام بزرگان

◀ نازنین زهرا نعمتی؛ طلبه سطح دو

**در کلام امام خمینی رحمه الله علیه:**

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا (س) جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان، او زن معمولی نیست. او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است. بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شد است... زنی که تمام خاصه های انبیاء در اوست، اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود. من راجع به حضرت صدیقه (س) خودم را قاصر می دانم که ذکر می بکنم.

(صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷)

**در کلام علامه مصباح یزدی رحمه الله علیه:**

ضرورت دفاع از حریم امامت و رسواسازی پیشوایان ضلالت، باعث شد تا خداوندگار حیا و پوشیدگی، به میدان سخنوری گام گذارد و با ایراد خطبه هایی حماسی و شوراآفرین، زیباترین قطعات ادب را رقم زند. فاطمه که میراث دار فصاحت فصیح ترین مردم عرب بود، در شرایطی بحرانی و بدون هیچ آمادگی قبلی چنان خطبه هایی ایراد فرمود که به جاودانه ترین قطعات ادبی در تاریخ ادبیات عرب تبدیل گردید. او میراث دار رسول بود و برای حفاظت از رسالت، با ایراد خطبه هایی بی مثال، بانی بنای بلاغت گشت و طلایه دار کاروان خطابت. باری، اگر یگانه کفو و همانندش علی (علیه السلام) را استثنا کنیم، میتوان او را «یکه تاز میدان فصاحت و بلاغت» در آن دوران نامید؛ بزرگ بانویی که در گستره فصاحت و بلاغت نیز یگانه سرور بانوان جهان از ازل تا ابد گشت.

(جامی از زلال کوثر، آیت الله مصباح یزدی، ص ۱۴۶)

**حضرت فاطمه (س) در کلام اهل سنت:**

**در کلام عبد الحمید بن ابی الحدید:**

فرستاده خدا فاطمه را بیش از آنچه که در مخیله مردم می گنجید تکریم و تعظیم می نمود. تکریمی بیش از آنچه که یک پدر نسبت به دخترش روا می دارد. آنقدر این تکریم بزرگ بود که از دوستی و محبت پدران در حق فرزندان نشان فراتر بود.

پیامبر خدا (ص) در محافل مختلف، اعم از خصوصی و عمومی به کثرات می فرمود: **إِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِنَّهَا عَدِيْلَةٌ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ إِنَّهَا إِذَا مَرَّتْ فِي الْمَوْقِفِ نَادَى مَنَادٍ مِنْ جِهَةِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْمَوْقِفِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ لِتَعْبُرَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ.**

او بانوی بانوان جهان و همتای مریم دختر عمران است. او کسی است که هنگام عبور از صحرای محشر، منادی از جانب عرش خداوندی ندا سر می دهد که اهل محشر دیده فرو نهید تا فاطمه دخت پیامبر از صحرا عبور کند. مستند کلام ما احادیث صحیحی است که در این زمینه وارد گردیده و از زمره اخبار ضعیف نمی باشد؛ تا گرد اشکال و ایراد دامنگیرش شود. همچنین، همسری فاطمه برای علی به دست پیامبر خدا صورت نگرفت مگر پس از آنکه خداوند در آسمانها به شهادت ملائکه آن دورا به همسری یکدیگر درآورد. پیامبر خدا به تکرار می فرمود: «یوذینی ما یوذیها و یغضبنی ما یغضبها، و انها بضعة منی یریبنی ما رابها» مرا آزار دهد هر آنچه که او را بیازارد، و به خشمم آورد هر آنچه را که او را خشمگین نماید، و او پاره تن من است. و مرا تکذیب نموده هر که او را تکذیب کند.

(فاطمه زهرا بهجه قلب المصطفی، رحمانی همدانی، ص ۳۰)





به نظر من، هیچ زنی در دنیا نمیتواند الگویی بهتر از فاطمه‌ی زهرا علیها السلام پیدا کند. چه در دوران جوانی‌اش، چه رفتارش با پدر، با همسر، با فرزندان، با کارگرداغل خانه‌اش، چه رفتارش در عرصه‌ی اجتماع، در مسئله‌ی سیاست، در مسئله‌ی خلافت؛ یعنی همه‌ی اینها الگوست. مقام معظم رهبری ۱۴۰۲/۱۰/۶ ع



## برترین مادر

◀ گفت وگویی با سرکار خانم فاطمه کفیل؛ استاد تاریخ اسلام حوزه علمیه خواهران

سمیه صفار؛ طلبه سطح دو

موارد و شروطی که هر زوجی باید داشته باشند این است که در راه بندگی خداوند یاور یکدیگر باشند. همانطور که امیرالمومنین (ع) ویژگی خیلی خوب فاطمه زهرا(س) را این مورد بیان کردند. در جای دیگر ایشان، درباره فاطمه زهرا(س) می فرمایند: «سوگند می خورم به خدا، که فاطمه(س) هیچ وقت مرا خشمگین نکرد و در هیچ کاری از من سرپیچی نمود، و از طرفی دیگر می گویند من هم هیچ گاه او را خشمگین نکردم و هرگاه که به فاطمه نگاه می کردم غم و اندوه از من زدوده می شد.» پس یکی دیگر از ویژگی های فاطمه زهرا(س) به عنوان یک زن کامل این است که آرامش را به حضرت علی(ع) هدیه می دهد. همچنین نقل شده در آخرین لحظات زندگی فاطمه زهرا(س) وقتی که سرشان بر دامان امیرالمومنین(ع) بود، ایشان حضرت صدیقه کبری(س) را خداشناس ترین، پرهیزکارترین، گرامی ترین، خداترس ترین و شایسته کردارترین انسان ها توصیف کردند.

### جایگاه و شأن فاطمه زهرا(س) نزد نبی اکرم(ص)

همین یک روایت در رفتار نبی اکرم(ص) با فاطمه زهرا(س) کفایت می کند که هرگاه فاطمه زهرا(س) وارد مجلسی می شدند که نبی اکرم(ص) در آنجا بودند قام ایها، حضرت بلند می شدند و به سمت فاطمه زهرا(س) می رفتند، این یک حرکت بزرگی است. گاهی در یک مجلسی شخصی را یک یا دوبار احترام می کنند اما هربار که فاطمه زهرا(س) وارد می شدند، پدر تمام قد در مقابلشان بلند می شدند و به سمتشان می رفتند. در روایت نگفته اند که قام لها به معنای آنکه فقط بلند می شد؛ روایت می گوید که قام ایها حضرت بلند می شدند به سمت حضرت فاطمه(س) می رفتند، رَحَبَ بها، به او خوش آمد می گفتند، وَ قَبَلَ يَدَهَا، دست ایشان را می بوسیدند، ببینید روایت می گوید كَلَّمَا دَخَلَتْ هِرْجَاهُ كَمَا أَنَّ فَاطِمَةَ زَهْرًا(س) وارد می شدند پیامبر اینگونه برخورد می کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين  
با تقدیم سلام و عرض تبریک به مناسبت میلاد سیده نساء الجنة، محور عالمین هستی، فاطمه زهرا(س) که در ایام ولادت ایشان به سر می بریم ان شاء الله که خداوند به همه ی ما توفیق بدهد که بتوانیم جزو رهروان واقعی حضرت باشیم.

### در مورد رفتار و جایگاه حضرت فاطمه زهرا(س) نزد امیرالمومنین علی(ع)

وقتی روایات را بررسی می کنیم می بینیم بارها امیرالمومنین علی(ع) به همسری فاطمه زهرا(س) مباحثات می کنند. متعدد داریم که حضرت می فرمایند: «أنا زوج البتول سيدة نساء العالمين» من همسر فاطمه زهرا هستم که او سید زنان هر دو عالم است. یا در جای دیگر حضرت علی(ع) ملاک برتری خودشان بر دیگران و همچنین شایستگی پذیرش مسئولیت های سنگین مثل رهبری جهان اسلام را، به همسری با حضرت فاطمه زهرا(س) ربط می دهد.

در پاسخ نامه ای که حضرت، به معاویه نوشتند اشاره کردند که بهترین زنان جهان از ماست. و حتی می توانیم بگوییم جزء اولین کلام های حضرت، فردای شب عروسی شان است؛ زمانی که نبی اکرم(ص) برایشان شیر و خرما آوردند؛ به فاطمه زهرا(س) فرمودند که بنوش دخترم که فداک ابوک، پدرت به فدایت، بعد به امیرالمومنین علی(ع) شیر را نوشاندند. پس از آن از حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) سوال کردند که همسران را چگونه دیدید، حضرت علی(ع) در مورد فاطمه زهرا(س) فرمودند: «نعم العون علی طاعة الله»

گویی دارند به ما کد می دهند و اینگونه یکی از ملاک های همسر خوب را معرفی می کنند، به درستی که فاطمه زهرا(س) بهترین یاور در راه اطاعت و بندگی خداست، همانطور که هدف خلقت نیز عبودیت و بندگی خداوند است. لذا در زندگی یکی از مهمترین





خداوند باشد؛ یعنی اگر دغدغه این باشد که «اللهم وفقنا لما تُحِبُّ و تَرْضَى» خدایا من کاری را انجام بدهم که رضایت و خشنودی تو در آن باشد، آن موقع زندگی‌ها به مشکل بر نمی‌خورد. ایشان سال پنجم بعثت همزمان با آغاز دعوت به اسلام متولد شدند و دو سال بیشتر نداشتند که به شعب ابیطالب رفتند. زندگی ایشان سرشار از فراز و نشیب بود. در روایت داریم که گاهی رنگ ایشان از فرط ضعف، زرد می‌شد. بعد از ماجرای شعب ابیطالب، وفات حضرت ابوطالب (ع) و خدیجه کبری (س) را داریم و اینجا باید برای حضرت رسول اکرم (ص) مادری کنند، لذا لقب ام ایها را به حضرت داده‌اند. بعد از هجرت، ایشان ازدواج کردند و چهار فرزندشان را در حالی که امیرالمومنین علی (ع) بیشتر در صحنه جنگ بودند، به خوبی تربیت کردند. ولی همواره در تمامی سختی‌ها راضی به رضای الهی بودند. در حال حاضر نیز ما باید الگویمان ایشان باشد و طرف معامله خود را خداوند قرار بدهیم؛ در این صورت اگر در زندگی مشترک، مرد از همسرش تشکر نکرد یا ناسپاسی اتفاق افتاد یا مشکلاتی دیگر... همواره رضای الهی را در نظر بگیریم که باعث رشد و آرامش افراد در زندگی می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های حضرت قانع بودن ایشان است. به طوری که هیچ وقت چیزی را از امیرالمومنین (ع) نمی‌خواستند و می‌فرمودند که رسول خدا (ص) مرا نهی کرده‌اند که چیزی از تو بخواهم و به من فرموده که اگر علی چیزی برای تو آورد، آن را بپذیر و گرنه تو درخواستی از او نداشته باش.

وقتی بررسی می‌کنیم در می‌یابیم پیامبر در مورد هیچ شخصی اینگونه برخورد نکردند حتی در مورد امیرالمومنین (ع) درباره ایشان داریم که یک وقت هایی می‌خواستند صحبتی بکنند یا کاری را انجام بدهند، می‌فرمودند منتظر حبیبم هستم تا بیاید؛ اما اینگونه رفتار کردن در مورد فاطمه زهرا (س) خیلی خاص است و این بالاتر از رابطه‌ی پدر و فرزندی است، بلکه چیزهایی است در عالم که ما نمی‌دانیم.

همین که فرمودند: «انما سمیت فاطمة لأن الخلق فطموا عن معرفتها» اینکه فاطمه، فاطمه نامیده شد، بخاطر این است که خلق از معرفت ایشان جدا شدند، پس یک خبرهایی است که برای ما قابل درک نمی‌باشد و این برخورد پیامبر نسبت به فاطمه زهرا (س) بدرستی شأن حضرت را می‌رساند. همچنین روایاتی داریم که نبی اکرم (ص) فرمودند: «وَلَوْ كَانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكَانَتْ فَاطِمَةَ...» یعنی اگر همه‌ی خوبی‌های عالم را در یک شخص جمع کنید، در فاطمه جمع شده است. نکته‌های عمیقی در همین روایت کوتاه نهفته است. و نیز فرمودند: «فاطمة بضعة منی وهی قلبی و روحی التی بین جنبی» فاطمه قلب و روح من و در کالبد من است و در جایی دیگر «فاطمة سیدة نساء العالمین» فاطمه بهترین زنان عالم است یا «انما فاطمة بضعة منی من آذاهها فقد آذانی، و من أحبها فقد أحببني» فاطمه پاره تن من است هرکس که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هرکس که او را دوست بدارد مرا دوست داشته است. پیامبر اکرم (ص) این همه فضیلت در مورد وجود نازنین دخت گرامی شان فرمودند و این روایات در منابع اهل سنت نیز نقل شده است.

### ویژگی بارز فاطمه زهرا (س)

عبودیت و بندگی ایشان است. یعنی فاطمه زهرا (س) تجلی توکل، رضا و تسلیم در برابر خداوند هستند. در تمامی شئون زندگی، ایشان نماد «ما خَلَقَتِ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» بودند. صدیقه طاهره هیچ کار دیگری جز بندگی نکردند. یعنی دغدغه اصلی ایشان این بود که رضایت خدا کجاست و چه کاری باید انجام بدهند که مورد رضایت خداوند باشند. لذا یکی از القاب ایشان راضیه، به معنای راضی به رضای الهی بودن است. از القاب دیگر ایشان مرضیه است. یعنی خداوند هم از فاطمه زهرا (س) رضایت دارد، رضایت متقابل. در زندگی زوج‌های جوان هم اگر دغدغه بندگی



### شیوه های تربیتی حضرت فاطمه زهرا(س)

تربیت، ابعاد گوناگونی دارد؛ تربیت جسمی، روحی، عاطفی، دینی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی. هدف و شیوه تربیت فرزندان در همه ی این ابعاد به مبانی و نگرش مکتب های مختلف به خدا و جهان و انسان بر می گردد. نگرش اسلام در بحث تربیت، به بندگی الهی و رهایی از اسارت غیر خدا بر می گردد، فرزندان امانت های الهی در دست پدر و مادرند و همچنین وظیفه والدین این است که آنها را در مسیر توحیدی قرار بدهد؛ حال در صدر پدر و مادرها حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) هستند که بالاترین دغدغه تربیتی دارند، لذا در ابعاد مختلف حضرت فاطمه زهرا(س) طبق همان مبانی دین اسلام، تربیت فرزندان را در عرصه های مختلف تربیت جسمانی، عاطفی و روحی در نظر دارند.

از جمله در تربیت جسمانی؛ از آنجا که جسم مقدمه برای روح است، سلامت جسم هم مقدمه ای برای سلامت روح می باشد. لذا حضرت زهرا(س) در این زمینه خیلی دقت دارند با وجود سختی هایی که داشتند اما فرزندان را خودشان شیر می دادند. چه بسیار مواقعی که خود حضرت گرسنه می ماندند، ولی برای همسر و فرزندان غذا آماده می کردند. گاهی که بچه ها مریض می شدند، به پیامبر اکرم(ص) متوسل می شدند یا برای شفای آنها نذر می کردند. همان طور که برای شفای بیماری فرزندان نذر کردند و آیات اولیه سوره انسان نازل شد.

علاوه بر آن در بحث تربیت روحی و عاطفی هم دقت نظر داشتند. نیازهای روحی و روانی فرزندان به محبت کردن با آنهاست، محبتی که آرامش، امنیت، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و دیگران را به دنبال دارد. حضرت فاطمه زهرا(س) با اوج محبتی که به فرزندان نشان داشتند، سعی می کردند این آرامش و اعتماد به نفس را برایشان مهیا کنند. از جمله روش های محبت به فرزندان: بازی کردن با آنها و اجازه دادن برای بازی کردن بود. و گاهی هم شعر خواندن و آموزش مفاهیم عمیق در همین اشعار از جمله روشهای محبت به فرزندان به حساب می آمد. به طور مثال وقتی امام حسن(ع) بازی می کردند، خطاب به ایشان می فرمودند: «إِشْبَهَ آبَاكَ يَا حَسَنُ وَ أَخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ وَاعْبُدِ إِلَهًا ذَامِنًا وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِحْنِ» ای حسن مثل پدرت باش (این همان جایی است که باید همسر را در نزد فرزند تکریم کنند) و حق را آزاد کن و خدای منان را عبادت کن و با کینه توز دوستی مکن. گویی در این اشعار یکسری نکات اعتقادی را منتقل می کردند.

روزی امیرالمومنین(ع) وقتی از باغ برمی گشتند درآمدشان را انفاق کردند و با دست خالی به منزل آمدند. فاطمه زهرا(س) فرمودند: من بجای اینکه از او چیزی را بخواهم از خداوند طلب آمرزش دارم و دیگر از او چیزی طلب نمی کنم. جالب توجه اینکه فاعت حضرت در کنار احساس رضایت مندی وجود دارد و این احساس به خانه و خانواده آرامش می دهد، این اثر عبودیت و بندگی است. ویژگی دیگر حضرت، تکریم امیرالمومنین(ع) است. همواره از ایشان به عنوان بهترین همسر و تکیه گاه برای خانواده شان یاد می کنند. از جمله فردای روز عروسی بود که پیامبر(ص) به خانه ایشان آمدند و پرسیدند علی را چگونه دیدی؟ ایشان پاسخ دادند او بهترین همسر است.

همچنین بین حضرت صدیقه (س) و امیرالمومنین(ع) رفتاری عاشقانه و با محبت حاکم بود. یکی از القاب ایشان هانیه است؛ به معنی کسی که نسبت به همسر و فرزندان بسیار دلسوز و مهربان است. زمانی که امیرالمومنین(ع) را محزون و گریان می دیدند در کنارشان می نشستند، دلجویی می کردند و با دلسوزی می گفتند که علی جان خداوند چشمان تو را گریان نسازد. زمانی که امیرالمومنین(ع) به جنگ می رفتند با اینکه برایشان سخت بود، آذوقه و بار سفر را برایشان آماده می کردند و در مدتی که امیرالمومنین(ع) نبودند، مسئولیت کار بیرون و داخل منزل را به عهده می گرفتند. لذا با این همه سختی کار، وقتی ایشان برمی گشتند با استقبال گرمی مواجه می شدند. حضرت صدیقه(س) غذای گرمی را آماده می کردند و خانه را مهیا ساخته و لباس آراسته ای می پوشیدند. روابط این دو زوج گرمی محبت و تکریم متقابل بود. حتی فاطمه زهرا(س) بعد از رحلت پیامبر(ص) وقتی که در بستر بیماری بودند، مخالفان می خواستند از ایشان عیادت کنند، حضرت علی(ع) به ایشان فرمودند: که فاطمه جان آنها برای عیادت تو آمده اند نظر تو چیست؟ حضرت زهرا(س) فرمودند: «یا علی البیتُ بیْتُک؛ خانه ی توست و انا اُمَّتُک؛ من هم کنیز تو هستم» لذا هر جور که شما تصمیم می گیرید من مطیع شما هستم.





از جمله مواردی که حضرت دقت نظر داشتند، تکریم و احترام فرزندان بود. به عنوان مثال زمانی که امام حسن (ع) به مسجد می‌رفتند و آیه ای نازل می‌شد، پیامبر (ص) آیه را می‌خواندند و توضیح می‌دادند. امام حسن (ع) زودتر از امیرالمومنین (ع) به خانه می‌آمدند و برای فاطمه زهرا (س) به منبر می‌رفتند، و ایشان امام حسن (ع) را تشویق می‌کردند و بسیار مشتاقانه به صحبت‌ها گوش می‌دادند.

مورد دیگر تربیتی رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان بود. روزی نبی اکرم (ص) به خانه فاطمه زهرا (س) رفتند و حضرت علی (ع) خوابیده بودند. امام حسن و امام حسین (ع) از خواب بیدار شدند و طلب آب کردند. پیامبر بلند شدند و آب را اول به امام حسن (ع) دادند. حضرت زهرا (س) فرمودند: پدر مثل این است که حسن را بیشتر دوست دارید. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: نه اینطور نیست بلکه او اول از من آب خواست و من او را مقدم داشتم. و اینگونه عدالت را به فرزندان یاد می‌دادند.

در تربیت و رشد دینی و اخلاقی فرزندان نیز بسیار دقت نظر و اهتمام به مسائل معنوی شان داشتند. از جمله در حد توانشان ترغیب به مستحبات می‌کردند. معمولاً در زمان غروب بچه‌ها را بیدار نگه می‌داشتند و می‌فرمودند که الان وقت استجابت دعاست، و یا در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان برنامه ریزی می‌کردند که بچه‌ها در روز خواب و استراحت شان را داشته باشند که شب بتوانند بیدار باشند؛ و گاهی هم عدم اکتفا به واجبات، آنها را تشویق به مستحبات می‌کردند. مثلاً ادعیه را به فرزندانشان آموزش می‌دادند. در روایات داریم که امام حسین (ع) در روز عاشورا دعایی را به فرزندشان امام سجاد (ع) آموزش دادند و گفتند: که این دعا از طرف مادرم و او از رسول خدا (ص) و او از جبرئیل فرا گرفته است.

ایشان در رشد معنوی فرزندانشان خیلی تلاش می‌کردند، علاوه بر آن برای آنها الگوی عملی بودند. فرزندان شاهد عبادت‌های طولانی مادرشان بودند و می‌دیدند که ایشان از یاد مردم غافل نیستند. همان دعا کردن شبانه حضرت که امام حسن (ع) از مادر می‌پرسند: که چرا برای همه دعا کردی برای ما دعا نکردی؟ می‌فرمایند: «الجار ثم الدار» اینها همه آموزش به فرزندان است که دیگران را بر خودمان مقدم بدانیم.

حتی در زمینه مسائل سیاسی هم فرزندان را تشویق می‌کردند. تا جایی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) ابوبکر روی منبر پیامبر می‌نشاند، امام حسن (ع) که

در آن زمان هفت سال داشتند، خطاب به ابوبکر می‌گویند که از منبر پدر من پایین بیا. همچنین درباره امام حسن و حسین (ع) در زمان خلافت عمر نقل کردند، امام حسین (ع) به عمر می‌گویند از منبر پدر من پایین بیا و بر منبر پدر خودت بنشین. عمر به ایشان می‌گوید چه کسی این را به تو یاد داده؟ این آموزه‌های سیاسی که کودک را حق گو و حق جو بار می‌آورد، قطعاً پرورش یافته پدر و مادری با تدبیر است.

### خصوصیات حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان بهترین همسر در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی

حضرت فاطمه (س) قبل از هجرت و در مکه خصوصاً بعد از رحلت مادر بزرگوارشان نقش فعالی در عرصه سیاسی و اجتماعی داشتند. ایشان در برابر توهین‌هایی که دشمنان در حق نبی اکرم (ص) روا می‌داشتند، به شدت برخورد می‌کرده و آنها را توبیخ و سرزنش می‌نمود. همچنین در جنگ احد نقش پرستاری فداکار را برای پدر داشتند و زم‌های ایشان را ترمیم می‌کردند و بعد از فتح مکه در قضیه حج الوداع و جریان غدیر، حضور ایشان برای بیعت بسیار پررنگ بود.

همچنان در صحنه‌های مختلف حضور دارند تا آنجایی که بحث دفاع از ولایت مطرح می‌شود. ایشان مردانه وارد میدان می‌شوند و به دفاع از امیرالمومنین (ع) می‌پردازند. از مبارزات متعدد تا احتجاج‌هایی که می‌آورند و خطبه فدکیه که می‌خوانند و با مقدم داشتن بحث فدک، گویی می‌خواهند فدک را مقدمه ای برای بازگرداندن خلافت امیرالمومنین علی (ع) کنند. اسم آن خطبه، خطبه فدکیه است. اما می‌بینیم که اصل خطبه فدکیه، دفاع از ولایت است، نه دفاع از همسرشان. اینکه حضرت احساس تکلیف می‌کنند برای ولی و حجت زمان خود، به پا خیزند. خصوصاً با جایگاهی که در اجتماع به عنوان دختر پیامبر اکرم (ص) داشتند، برای این است که حق امیرالمومنین (ع) و حق خلافت را برگردانند و با ظلم و ستمی‌هایی که در حق شان شده، بازهم روشنگری کنند. چه بسا اگر فعالیت‌ها و تلاش‌های حضرت زهرا (س) نبود، اسلام به تدریج از یادها رفته بود و این روشنگری‌های فاطمه زهرا (س) بود که باعث ماندگاری اسلام شد. ان شاء الله که خداوند فرزندان ما را نور چشم ما قرار بدهد و برایمان باقیات و صالحات باشند و بتوانیم به فاطمه زهرا (س) اقتدا کنیم.





# ستاره‌ای پر فروغ زندگی بانو مجتهده امین

◀ زهرا بحرانی، فارغ التحصیل سطح دو

او در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در اصفهان متولد شد. نَسَبش با سی واسطه به علی بن حسین می‌رسد. از چهار سالگی به فراگرفتن قرآن و از یازده سالگی به تحصیل زبان عربی پرداخت. با اینکه در پانزده سالگی ازدواج کرد، اما همراه با همسررداری و تربیت فرزندان، به تحصیل علوم اسلامی نیز ادامه داد. در بیست سالگی به تحصیل فقه و اصول، تفسیر و علم حدیث پرداخت، به زودی به حکمت و فلسفه و در پی آن به عرفان روی آورد. علی‌رغم تمام مشکلاتی که در آن دوران برای تحصیل زنان متدین وجود داشت، در چهل سالگی به دنبال سال‌ها تلاش شبانه‌روزی توانست به درجه اجتهاد برسد.

## کسب مقام اجتهاد:

وی پس از پشت سر نهادن مدارج علمی نزد استادانی چون ابوالقاسم زفره‌ای، حسین نظام‌الدین کچویی، سید ابوالقاسم دهکردی، میرزا علی شیرازی، سید علی نجف‌آبادی، از علما و مراجعی چون محمدکاظم شیرازی و عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم، سید ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی، محمدرضا نجفی اصفهانی و مرتضی مظاهری نجفی اصفهانی اجازه اجتهاد دریافت کرد. کارهای مهم فرهنگی ایشان در آن دوران بسیار سخت سیاسی، زمینه تحصیل بانوان علاقه‌مند به آموختن معارف اسلامی را فراهم ساخت و تأسیس چند دبیرستان دخترانه و تربیت شاگردانی نامدار از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی وی بود.

## آثار برجای مانده از ایشان:

\* **اربعین الهاشمیه:** این کتاب اولین کتاب او است که آن را در سال ۱۳۲۵ ه. ش در پنجاه سالگی نوشت و در آن، به شرح و توضیح چهل حدیث از احادیث گرانقدر اهل بیت علیهم‌السلام پرداخت.

**سیر و سلوک:** همان‌گونه که از نام کتاب مشخص است، وی در این کتاب به راه و روش سیرالی‌الله می‌پردازد.

**روش خوشبختی:** نگاشته شده در سال ۱۳۳۱ ه. ش؛ مجموعه مباحث این کتاب بر مبنای اخلاق اسلامی و با هدف تبیین شیوه‌های درست و رسیدن به کمال مطلوب و سعادت واقعی نوشته شده است.

**نفحات رحمانیه:** از آنجا که بانو در طول زندگی خود به جهاد با نفس مشغول بود و با سلاح علم و عمل با خواهش‌های نفسانی مبارزه می‌کرد، خداوند متعال نیز حجاب‌ها را از برابر قلب او بر طرف و او را با حقایق نهان عالم آشنا کرد. در حقیقت نفحات رحمانیه حکایتی از یافته‌های عرفانی و واردات قلبی این بانوست.

**تفسیر مخزن‌العرفان:** در پانزده جلد که تفسیر جامعی بر قرآن کریم است.

**اخلاق:** اقتباسی از تهذیب‌الاخلاق و تطهیر‌العراق ابن مسکویه است. مؤلف پس از ترجمه این کتاب، دیدگاه‌های خود را به همراه توضیحاتی بیان می‌کند.

**جامع‌الشتات:** محتوای این کتاب، پاسخ‌های مفصل و متقن ایشان به پرسش‌های عمیق فقهی، علمی





و اعتقادی شماری از استادان و علمای فرزانه حوزوی است.

**معاد یا آخرین سیر بشر:** در این کتاب، مباحث مربوط به معاد و سیر تکامل انسان، در قالب ۹ مقاله علمی بررسی شده است. **مخزن الآلی فی فضائل مولی الموالی:** همانگونه که از عنوان این کتاب مشخص است، بانو در آن، به معرفی گوشه هایی از فضائل و مناقب مولای متقیان، علی بن ابی طالب علیه السلام پرداخته است.

ایشان بانو سیده نصرت امین یکی از عالمان و عارفان زن شیعه در زمان خودش بود.

نقش بانوان در تعلیم و تربیت فرزندان و در فرهنگ‌سازی جامعه، نقشی اساسی و بی‌بدیل است و اگر بانوان کشورمان به آداب و اخلاق قرآنی و اسلامی مزین باشند، به طور حتم از دامن پرمهر آنان فرزندانی باایمان و شجاع، همچون امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی، استاد شهید مطهری و یا دیگر بزرگان و ستارگان پرفروغ سپهر علم و اندیشه، پرورش پیدا خواهند کرد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «المرأة ریحانة، ما اکرهمن الا الکریم، و ما اهانهن الا اللئیم؛ زن ریحانه (گلی خوشبو) است، کسی آنها را تکریم نمی‌کند، مگر انسان کریم و کسی به آنها توهین نمی‌کند، مگر انسان پست و فرومایه». حال با توجه به این ساختار وجودی بانوان که خدای متعال در خلقت، آنان را با ظرافت، مهربانی و نرم‌خویی آفریده است، اگر مزین به اخلاق اسلامی و فراگیری قرآن شوند و حتی به درجه‌ای برسند که اهل سیر و سلوک معنوی شوند، چه خواهد شد؟! در حقیقت، اینجا، همان تعبیری که استاد عزیزمان مرحوم جناب آقای دکتر احمدی، از شاگردان برجسته علامه طباطبایی همواره گوش زد می‌کردند، یعنی «فرشتگان وحی‌آموز» تحقق می‌یابد.

یادنامه بانوی مجتهده حجت‌الاسلام و المسلمین سیده نصرت امین، ص ۹

بانوی نمونه (جلوه‌هایی از حیات بانوی مجتهده امین اصفهانی)، ناصر باقری

بیدهدنی، ص ۳۶



# حجاب حق الهی



◀ زینب تقیلو؛ استاد و پژوهشگر حوزه علمیه خواهران

### آیا حجاب محدودیت است؟

حجاب برای زن محدودیت و حصری است که خانواده و وابستگی به شوهر برای او ایجاد نموده است، بنابراین، حجاب نشانه ضعف و محدودیت زن است.

راه حلّ این شبهه و تبیین حجاب در بینش قرآن کریم این است که زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم، حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند. حجاب زن، حقی الهی است. حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد نه شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می باشد، همه اینها اگر رضایت بدهند قرآن راضی نخواهد بود، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است؛ خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلّم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد، اگر جامعه ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شهوت

رفتند به همان فسادی مبتلا می شوند که در غرب ظهور کرده است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. از این که قرآن کریم می گوید هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود عصمت زن، حق الله است و به هیچ کسی ارتباط ندارد. قهراً همه اعضای خانواده و اعضای جامعه و خصوصاً خود زن، امین امانت الهی هستند. زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است. یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را، خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داده و فرموده: این حق مرا تو به عنوان امانت حفظ کن، آنگاه جامعه به صورتی درمی آید که شما در ایران می بینید، جامعه ای که قرآن در او حاکم است، جامعه عاطفه است و سرّش این است که نیمی از جامعه را معلمان و سرّش این است که نیمی از جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند و آن مادرها هستند، چه بخواهیم، چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم. اصول خانواده درس رقت می دهد، و رقت و رقت در همه مسائل کارساز است.

حکیم متّله آیت الله جوادی آملی، زن در آئینه ی جلال و جمال، ص ۴۳۷







# نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

◀ نرگس اسدی، طلبه سطح سه

## اثرات مثبت حجاب و عفاف بر جامعه

۱. نقش حجاب و عفاف در معنویت و اخلاق هر چه حجاب فردی و اجتماعی متعالی باشد، تقدس و حرمت اخلاقی و رشد جامعه بیشتر خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم در رابطه با معنویت و اخلاق فرمودند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص و ایثار در خود و جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، تواضع و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت دهنده همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. اخلاق و معنویت با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با اجبار ایجاد کنند، اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی کمک کنند.» زنی که می‌خواهد انسان‌هایی جامعه ساز تحویل جامعه دهد، باید ابتدا خود از معنویت و اخلاق بهره‌مند شود. زیرا آن‌گاه که اعتقادات و ایمان در بانوان سست باشد تمایل به خودنمایی در آن‌ها قوت می‌یابد. «یکی از فواید حجاب و پوشش بانوان تعدیل غریزه تبرز جاهلی و خودنمایی آنان در مواجهه با مردان نامحرم و تسهیل خودسازی روحی و معنوی است.» پس زن خودساخته می‌تواند ضامن معنویت و اخلاق جامعه شود.

زنان در جایگاه نیمی از جامعه بشری، همواره نقش سرنوشت‌سازی در تحولات سیاسی-اجتماعی داشته‌اند. زنان با حجاب و عفاف خود در مقابل فرهنگ غربی، پایه‌گذار جنبشی نوین در عصر انحطاط اخلاقی شدند و از آن‌جا که حجاب و عفاف اسلامی ضامن و پاسدار از شخصیت همه افراد جامعه بوده؛ لذا، بی‌تردید از مهم‌ترین ارمغان‌های آن تحصیل سلامت روانی پایدار می‌باشد.

بیانیه گام دوم در یک تقسیم‌بندی کلی شامل نگاهی به گذشته، حال و آینده بوده و از این منظر سیاست‌ها و راهبردهای آینده را مشخص نموده است.

حجاب و عفاف آثار مثبتی در دو زمینه فردی و اجتماعی دارد که مهمترین آن‌ها آرامش و امنیت در بعد مسئولیت اجتماعی، استحکام خانواده، حفظ نیروی کار و اقتصاد و حفظ استقلال ملی است. با نگاهی به زنان در سه دهه گذشته انقلاب در می‌یابیم که پس از انقلاب اسلامی، پوشش بانوان یکی از موضوعات بحث برانگیز جامعه بوده است. در حال حاضر که در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی قرار گرفته‌ایم، مقام معظم رهبری سیر پیشرفت انقلاب را در علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی بیان کرده‌اند؛ حجاب که یکی از برکات همین انقلاب است، با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب و اجرایی شدن توصیه‌های حضرت آقا می‌تواند عامل مؤثری در سهولت پیشبرد این گام باشد.



## حجاب مجوز ورودتوبه بهشت خواهرم است.

قسمتی از وصیتنامه شهید  
حمید رضا نظام  
مدینا منوره، ج ۲، ص ۵۲

ناشی از تحریک‌های مستقر در جوانان، سیر نزولی اخلاق اجتماعی و معنویت از آسیب‌های اجتماعی است که منشأ اصلی آن‌ها غفلت از خداوند، عدم توجه به احکام و حدود الهی، همچنین حجاب و پوشش است، که بهداشت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد.»

۴. نقش حجاب و عفاف در سبک زندگی خانه را مسکن گویند؛ زیرا محل سکونت و آرامش روحی برای انسان است. اگر زن این مکان امن و سکون و محل شکوفایی استعدادها و نیروهای درونی اش را از دست بدهد، آرامش و سلامت روانی خود و خانواده را از دست خواهد داد. استرس‌ها و فشارهای روانی که امروزه دامن‌گیر خانواده‌های غربی شده، به این دلیل است که با عفتی و بی‌حجابی و آزادی روابط، سبب شده آن‌ها از زندگی در خانه بیزار شوند و وظایف خود را فراموش کنند. اینکه عده‌ای تصور می‌کنند کثرت طلاق به خاطر حجاب است دچار اشتباه شده‌اند زیرا؛ «کثرت طلاق به سبب حجاب نیست، غالباً طلاق مستند به این است که شوهر از انس و محبت زن خود دست کشیده و برای خود، کس دیگری را رفیق و طرف عشق قرار می‌دهد که آن هم از آثار بی‌حجابی است نه از آثار حجاب.»

۵. نقش حجاب و عفاف در مبارزه با بی‌بند و باری دکتر مگیه مزر در باره‌ی آثار مخرب آزادی روابط زن و

۲. نقش حجاب و عفاف در جلوگیری از فساد اخلاقی حجاب و عفاف از فساد های اخلاقی در جامعه جلوگیری می‌کند. تأثیر بی‌حجابی در فساد اخلاقی به حدی است که مستکبران و غارتگران، با فاسد کردن اخلاق جوامع و شیوع فحشا، همیشه از آن برای تسلط بر فرهنگ‌ها و ملت‌ها سود برده‌اند تا جایی که در پروتکل سیاستمداران یهودی آمده است: «ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا، ویران شود تا راه سیطره را بگشاید. فروید از ماست و به زودی رابطه جنسی زن و مرد چنان آشکارا و برملا انجام می‌شود که در نظر جوان، هیچ چیز مقدسی وجود نداشته باشد و پیوسته همت او صرف اشباع غرایز شهوی اش گردد، در این صورت است که اخلاق فرو می‌زند.»

۳. نقش حجاب در سلامت روانی جامعه یکی از عوامل ایجاد سلامت روانی در جامعه، عدم تحریک جنسی است. «یکی از مواردی که به عنوان فلسفه حجاب می‌توان مطرح کرد، جلوگیری از تحریک مردان است. برهنگی زنان افزون بر تحریک مردان، هیجان‌های بیمارگونه عصبی و بیماری‌های روانی را در پی خواهد داشت.» بدین جهت مهمترین دلیل پوشش زن حضور عفیفا نه او در اجتماع است تا سلامت روانی جامعه را پیریزی کند و از حرکات بیمارگونه در اجتماع جلوگیری کند. «از هم گسیختگی نظام خانواده، وجود بیماری‌های روانی



جوانانی مومن، دانا و کارآمد دارد. «یکی از فواید حجاب اسلامی در بعد اجتماعی این است که موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت در اجتماع می‌شود و در برابر آن بدحجابی و بی‌حجابی و کشانیدن تمتعات جنسی و شهوانی از محیط خانه به اجتماع نیروی کار و فعالیت اجتماعی را ضعیف می‌کند.»

۸. نقش حجاب و عفاف در مبارزه با غرب زدگی  
اقدامات بیگانگان در زمینه کشف حجاب و کشاندن زنان به عرصه‌های بی‌عفتی با نام آزادی و پیشرفت و ترقی زنان، تنها با انگیزه‌های سیاسی نبوده و نظام سرمایه‌داری غرب برای بازاریابی کالاهای تولید شده و داشتن مصرف‌کننده بیشتر، همواره سعی در بهره‌کشی از زنان داشته است و با از میان برداشتن حجاب و عفاف زنان و مسخ فرهنگی آنان، بازار مصرف آن‌ها گرم و سود بیشتری به جیب کمپانی‌های بزرگ سرازیر می‌شود. عدم پوشش مناسب زنان و به دنبال آن بی‌بند و باری جنسی علاوه بر اثرات روحی و روانی، پیامدهای جسمی و هزینه‌های اقتصادی زیادی را به دنبال دارد، همچون ایدز، که در اکثر موارد، توسط افراد بی‌بند و بار در روابط جنسی آزاد به وجود آمده است.

۹. نقش حجاب و عفاف در استیفای نیروی کار  
زنانی که اکثر فکر آن‌ها طرز آرایش و به خود بستن زیبایی‌های ظاهری و پوشیدن لباس‌های رنگارنگ باشد، بدیهی است که حداقل سهم عظیمی از نیروی بالقوه خود را به هدر خواهند داد. البته موضوع به اینجا ختم نمی‌شود، زیرا چنین بانوانی موجب پریشانی افکار مردان خواهند شد و جامعه در مدت زمان کوتاه قسمت عمده‌ای از نیروهای بالقوه (زن و مرد) خود را از دست داده.

مرد در نظام خانواده که این آزادی ثمره عدم حجاب و عفاف است می‌نویسد: «یکی از آثار بی‌بند و باری این است که مردان از تشکیل خانواده خودداری می‌کنند؛ زیرا لذت‌های جنسی برای آن‌ها همیشه فراهم است و به آسانی می‌توانند به آن برسند، بدون آنکه بخواهند خود را در قید و بند خانواده و مشکلات آن قرار دهند.» در روایت‌ها این‌گونه روابط مورد مذمت قرار گرفته؛ امام رضا (ع) وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایات و مفاسد اخلاقی معرفی می‌کند.

۶. نقش حجاب و عفاف در توسعه علم و پژوهش  
مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در رابطه با مسئله علم و پژوهش فرمودند: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش توانست ثروت و قدرت دویست هزار ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحصیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد.» زنان و مردان باید بتوانند برای مسائل مهم جامعه که به علم و پژوهش گره خورده است، تمرکز بالایی داشته باشند. «بی‌حجابی جدیت خود زنان را به کار کم می‌کند چون تمرکز او به خودآرایی و خودنمایی مشغول می‌شود. در حالی که لازمه کار و تلاش جدی و پربار تمرکز حواس است.»

۷. نقش حجاب و عفاف در سلامت اقتصادی  
اقتصاد زمانی می‌تواند به شکوفایی و رشد مناسب خود برسد که بسترهای مناسب آن فراهم آید. اقتصاد مقاوم قبل از هر چیزی به مردم مقاوم و با انگیزه نیازمند است. اقتصاد مقاومتی نیاز به



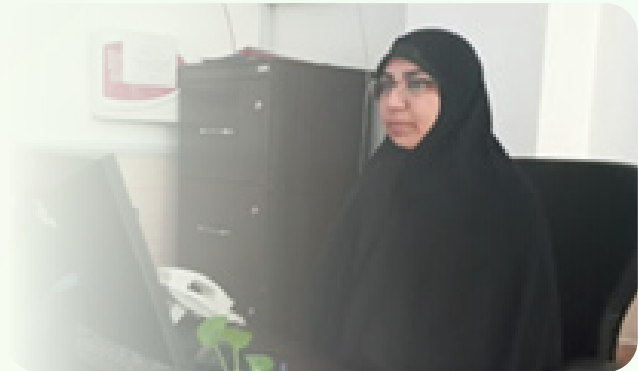
به این ترتیب نیروهای مثبت به مرور تبدیل به نیروهای منفی و بازدارنده خواهند شد.

پیشنهاد می‌شود برای بهرمندی از آثار حجاب و عفاف برای رشد و سلامت فردی و اجتماعی، در یک سوزن جامعه از خودنمایی، خودآرایی و دلربایی در محیط بیرون از خانه پرهیز کنند و از سویی دیگر نظام اسلامی هم با توجه به امکانات و مقدوراتی که در اختیار دارد باید با برنامه ریزی دقیق با بی‌حجابی و بی‌عفتی برخورد جدی کند و به مسئله حجاب و عفاف بیشتر پردازد تا از آثار مطلوب آن بهره‌مند شود، زیرا عفاف و حجاب نه تنها از ارکان اصلی پیشرفت و توسعه هرکشوری محسوب شده بلکه بقاء هرجامعه‌ای درگرو عفاف و حجاب می‌باشد.



# گفت و گویی با واحد آموزش جهت آشنایی طلاب با قوانین آموزشی

◀ الهام کارگر؛ کارشناس آموزش سطح دو / آذر ماه ۱۴۰۳



- فلسفه و کلام و تفسیر.
- تشکیل جلسات ارتقایی مستمر ماهانه اساتید.
- مباحثات منظم علمی بین طلاب.
- شرکت طلاب در المپیادها و مسابقات علمی.
- اخذ رتبه علمی در مسابقات علمی استانی و راهیابی به مرحله کشوری.
- اجرای طرح استادیاری.
- ایجاد سه رشته در مقطع سطح سه.
- پذیرش بیشترین مهمان درسی و امتحانی در استان قم.
- شرکت تعداد بالای طلاب در رویداد آموزشی کشوری و بالاترین آمار دریافت مدرک در استان قم.

معاونت آموزش فعلی مدرسه علمیه آیت الله ایروانی (ره) با هدف تربیت طلبه طراز انقلاب اسلامی و با شعار «طلبه طراز انقلاب در سایه خدمت صادقانه» از نیمسال دوم تحصیلی سال ۱۴۰۰، فعالیت خود را آغاز نموده است.

مدرسه علمیه تخصصی آیت الله میرزا یوسف ایروانی (ره) یکی از مدارس حوزه های علمیه خواهران است که در دو مقطع سطح دو و سه در منطقه پردیسان قم در حال فعالیت می باشد.

این مدرسه هم اکنون بصورت کلی حدود ۱۲۲۱ طلبه ۵۷۹ طلبه جاری، ۲۳۲ فارغ التحصیل و ۴۷ طلبه مهمان می باشد.

حدود ۳۵ استاد در سطح دو و ۲۵ استاد در سطح سه، در این مدرسه مشغول به تدریس هستند.

از ویژگیهای مهم آموزش مدرسه علمیه تخصصی آیت الله ایروانی (ره) بفرمائید:

- دارای بالاترین آمار طلاب در بین حوزه های علمیه خواهران قم.
- ایجاد کانال و گروه های متعدد اطلاع رسانی آموزشی - تربیتی برای اساتید، طلاب و فارغ التحصیلان.
- گروه علمی شامل گروه های فقه و اصول، ادبیات عرب،

**کادر آموزش متشکل از چه قسمت هایی است؟**  
معاونت علمی مدرسه علمیه تخصصی آیت الله ایروانی (ره) متشکل از قسمت های امور اساتید، امور طلاب سطح دو و سه، امور کلاس داری، امور امتحانات، امور مهمانان و امور پژوهشی می باشد.

**شیوه های تحصیل در حوزه علمیه خواهران به چه صورت است؟**

در سطح دو: شیوه حضوری و شیوه نیمه حضوری. در سطح سه: شیوه حضوری، شیوه نیمه حضوری؛ در شیوه نیمه حضوری طلاب بعد از گذراندن ۷۶ واحد از دروس سال اول و دوم به طور کامل می توانند تقاضای تغییر شیوه تحصیل به نیمه حضوری داشته باشند. شیوه غیرحضوری در برخی رشته ها است که البته مدرسه تخصصی آیت الله ایروانی (ره) فقط به شیوه حضوری برگزار می گردد.

**چرا در مقطع سطح دو شیوه تحصیلی کاملاً غیرحضوری طراحی نشده است؟**



فلسفه اصلی حضوری بودن دو سال اول تحصیل در این شیوه آموزشی، کسب معنویت و فضیلت از اساتید معزز و بهره‌مندی از فضای موثر حوزه علمیه است. برای این هدف، بزرگان حوزه حداقل حضور دوساله را در محیط حوزوی لازم شمرده‌اند. در شیوه نیمه حضوری طلاب بعد از گذراندن ۷۶ واحد حضوری می‌توانند شیوه غیرحضوری را انتخاب کنند.

**در سطح دو و سطح سه طلاب چند واحد باید بگذرانند؟**  
سطح دو ۱۹۰ واحد و سطح سه حدوده ۱۰۰ واحد است. در سطح سه حوزه علمیه آیت الله ایروانی شامل رشته های فلسفه اسلامی، مدیریت آموزشی و ادبیات عرب است.

**دانش‌آموختگان مقطع سطح دو حوزه‌های علمیه، عهده‌دار چه مسئولیت‌هایی می‌شوند؟**  
دانش‌آموختگان این مقطع می‌توانند در نقش‌ها و مسئولیت‌های ذیل ایفای وظیفه نمایند: مبلغ دینی در جلسات و اجتماعات مذهبی بانوان، تدریس در مدارس آموزش و پرورش در مقطع دبستان و تدریس دروس مرتبط مانند دینی، عربی، علوم اجتماعی. در مقطع دبیرستان، اشتغال به سمت مربی پرورشی و مشاوره مذهبی در مدارس، مربی قرآن، مهدهای کودک، مبلغ در ارگان‌های دولتی مثل نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

**دانش‌آموختگان مقطع سطح سه حوزه‌های علمیه، عهده‌دار چه مسئولیت‌هایی می‌شوند؟**  
دانش‌آموختگان این مقطع می‌توانند در نقش‌ها و مسئولیت‌های زیر فعالیت نمایند: تبلیغ در مجامع علمی و آموزش عالی، مدرسی سطح دو در حوزه‌های علمیه، مدرسی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، مشاوره مذهبی در مراکز علمی و دانشگاهی و ایفای نقش‌های مدیریتی در مراکز آموزشی و فرهنگی و ورود به عرصه تألیف و نویسندگی و...

**اموری که باعث محرومیت از ادامه تحصیل طلبه در سطح دو می‌شود چیست؟**  
چند چیز باعث محرومیت از ادامه تحصیل می‌شود: مشروطی در چهار نیمسال که معدل مشروطی در نظام آموزشی حوزه زیر ۱۴ می‌باشد، اتمام سنوات مجاز تحصیل

در صورت محرومیت از ادامه تحصیل چگونه می‌توان مجدد وارد حوزه شد؟

ورود مجدد، از طریق شرکت در آزمون بازپذیری است.

**طول دوره و سنوات مجاز تحصیلی در حوزه علمیه خواهران چه میزان است؟**

طول مدت تحصیل در مقطع سطح دو (عمومی)، بدون احتساب دو ترم مرخصی، برای ورودی‌های دیپلم، بین ۵ تا ۷ سال و برای ورودی‌های سیکل، بین ۷ تا ۹ سال است. حداکثر مدت تحصیل در مقطع سطح سه با احتساب مرخصی و پایان نامه ۱۲ نیمسال خواهد بود.

**تعداد مرخصی طلاب به چه صورت می‌باشد؟**  
به ازای هر زایمان دو ترم مرخصی زایمان تعلق می‌گیرد که می‌توان از دوران بارداری تا یکسالگی کودک از مرخصی استفاده کرد.

دو ترم مرخصی عادی نیز برای همه طلاب لحاظ شده است.

**توصیه‌های آموزش به طلاب در زمینه انتخاب واحد، حضور و غیاب، امتحانات و ... چیست؟**

حتماً به زمان بندی تقویم تحصیلی توجه داشته باشند. پیام‌های اختصاصی آموزش را در کانال‌های اطلاع رسانی پیگیری نمایند.

**حق غیبت هر طلبه به چه میزان است؟**

غیبت مجاز برای هر طلبه در هر درس، طی یک ترم تحصیلی، سه شانزدهم می‌باشد. بنابراین هر طلبه با ارائه گواهی موجه کردن غیبت؛ برای درس تک واحدی، سه جلسه، برای درس دو واحدی، ۶ تک ساعت، برای درس سه واحدی، ۹ تک ساعت و برای درس چهار واحدی، ۱۲ تک ساعت، غیبت اضطراری دارد.

**اگر آموزش بخواهد دلیل یا دلایلی برای رضایتمندی طلاب نسبت به خدمات آموزشی بیان نماید، آن‌ها را بفرمایید؟**

رهنمودهای خیرخواهانه معاون آموزش و گفتگوهای صمیمانه با طلاب، آگاهی بخشی و اطلاع رسانی در مورد قوانین آموزشی که عدم آگاهی طلاب نسبت به این قوانین دلیلی بود برای سردرگمی طلاب در طی مراحل تحصیل و همکاری، همدلی و ارتباط صمیمی کادر آموزش با طلاب، برقراری کلاس‌های درسی در آرامش و بدون اعتراض، کسب نمرات خوب، رضایتمندی اساتید و ... می‌تواند از دلایل رضایتمندی طلاب باشد.



## فاطمه مالمیر؛ استاد حوزه های علمیه خواهران

شاید بتوان گفت کمترین خسارت ناشی از این گرایشات، خسارت مالی است و آنچه آدمی را دچار افسوس و ناراحتی می کند، غفلت از بعد معنوی زیبا دوستی انسان است که در پس آرایش های نو پدید گم گشته و اعمال عبادی که می تواند فتح باب صعود انسان به وادی معنویت و تعالی باشد، این چنین در بوته آرایش های رنگین به فنا می رود و ارمغانی جز دور ماندن از وادی قرب الهی ندارد.

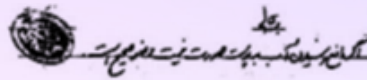
روی آوردن به آرایش های نوپدید مانند انواع کاشت ناخن ها، تاتوها (ابرو، بدن و ...) به صورت دائم و موقت، لیفت و لمینت مژه و ابرو، اکستنشن مژه و ... اگر چه در نگاه اول با نیاز زن به زیبا بودن هماهنگ است، اما با کمی تفکر و تعقل پی به کاذب بودن این نیاز می بریم. نیاز کاذب شکل دگرگون شده ی یک نیاز واقعی است و البته عدم پاسخ درست به همان نیاز واقعی.

### وضو با مژه و ابروی مصنوعی

**سوال:** وظیفه شخص برای وضو در صور زیر چیست؟  
(الف) در صورتی که ابرو یا مژه کاشته است.  
(ب) در صورتیکه ابرو یا مژه چسبانده است.

**آیت الله خامنه ای:**

(الف) اگر مانع رسیدن آب به پوست صورت نیست، وضو صحیح است.



**آیت الله سیستانی:** (ب) باید برداشته شود.

توضیح المسائل جامع، ص ۱۱۶، م ۳۲۱

**آیت الله مکارم شیرازی:**

(الف) اگر آب به پوست بدن برای وضو و غسل می رسد اشکالی ندارد.

با استفاده از استفتائات، ج ۲، ص ۴۳، س ۵۸

(ب) اگر مانع رسیدن آب به پوست (مژه و ابرو) است و امکان جداسازی نیست، به همان شکل وضو می گیرد و وضوی جبیره ای محسوب می شود.  
[امکان جداسازی به این معنا که با توجه به امکانات فعلی، برداشتن این موانع به سهولت ممکن است، لذا وضو جبیره صحیح نیست.]

اگر مانع رسیدن آب به پوست است و امکان جداسازی نیست، به همان شکل وضو می گیرد و وضوی جبیره ای محسوب می شود.





### آیت الله وحید خراسانی:

اگر قابل برداشتن نیست یا برداشتن آن عسر و حرج غیرقابل تحمل دارد، بنا بر احتیاط واجب جمع بین وضو یا غسل جبیره ای و تیمم نماید.

استفتا موجود در اداره پاسخ به سوالات

### وظیفه عروس با آرایش

سوال: خانمی (مثل عروس و...) برای مراسم عقد و عروسی آرایش کرده وظیفه اش چیست؟  
الف) برای وضو گرفتن  
ب) برای نماز خواندن

آیت الله خامنه ای اجوبه، ص ۳۷، س ۱۴۱ و رساله آموزشی، ج ۱، ص ۱۷۱، قسمت ۸

و آیت الله سیستانی توضیح المسائل جامع، ص ۱۱۶، با استفاده از م ۳۲۱ و توضیح المسائل جامع، ص ۳۶۸، م ۱۲۶۳

و آیت الله مکارم شیرازی استفتائات ج ۱، ص ۳۷، س ۶۹ و توضیح المسائل، ص ۶۳، م ۹۵۳

الف) اگر مواد آرایشی دارای جرمی است که مانع رسیدن آب به محل وضو است باید برطرف شود.

ب) در نماز باید میان پیشانی و محل سجده چیزی مثل (کرم و...) حائل نشود.

### پوشیدن کلاه گیس در مقابل نامحرم

سوال: پوشیدن کلاه گیس در مقابل نامحرم چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای:

کلاه گیس حکم موی سر را ندارد ولی اگر زینت محسوب شود یا موجب جلب توجه نامحرم گردد باید از نامحرم پوشانده شود.

استفتائات موجود در اداره پاسخ به سوالات جامعه الزهرا

آیت الله سیستانی:

اگر زینت محسوب شود باید از نامحرم بپوشاند البته در مواردی که مضطر به ترک حجاب است و امر دایر باشد بین برهنه بودن سر و پوشیدن کلاه گیس پوشیدن آن لازم است.

استفتائات موجود در اداره پاسخ به سوالات جامعه الزهرا

آیت الله مکارم شیرازی:

فقط در موارد ضرورت جایز است و در غیر ضرورت چون لباس زینتی است باید پوشانده شود.

استفتائات موجود در اداره پاسخ به سوالات جامعه الزهرا

احکام ویژه ۶۰۰ مسئله، ص ۲۶۴، س ۱۲۶







## چه ماه شریفی است این ماه!

از ماههای حرام و از اوقات دعا است. حتی در زمان جاهلیت به این مطلب مشهور بوده و مردم آن زمان منتظر این ماه بودند تا در آن دعا کنند.

این ماه، ماه امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ شب اول آن یکی از چهار شبی است که تأکید به زنده نگهداشتن آن به عبادت شده است.

درباره روز نیمه آن آمده است که محبوب ترین روزها نزد خداوند است. مبعث پیامبر اکرم صلوات الله علیه؛ زمان ظهور رحمت الهی، حادثه بی نظیر جهان خلقت، در این ماه قرار دارد. در حدیث قدسی آمده است:

«جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ (رَجَبَ) حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَّ بِي»  
ماه رجب را ریسمانی میان خود و بندگانم قرار داده ام؛ هر کس به آن چنگ زند، به وصال من رسد.



# حواست به ملك داعی هست؟



از مراقبتهای مهم این ماه به یاد داشتن حدیث (مَلَكِ داعی) می باشد که از پیامبر صلوات الله علیه روایت شده است: «خدای متعال در آسمان هفتم فرشته ای را قرار داده است که (داعی) گفته می شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته در هر شب این ماه تا صبح می گوید: خوشا به حال تسبیح کنندگان خدا، خوشا به حال فرمانبرداران خدا. خدای متعال می فرماید: همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند، فرمانبردار کسی هستم که فرمانبردارم باشد و بخشنده خواهان بخشایش هستم. ماه، ماه من؛ بنده، بنده من و رحمت، رحمت من است. هر کسی در این ماه من را بخواند او را اجابت می کنم و هرکس از من بخواهد به او می دهم و هرکس از من هدایت بخواهد او را هدایت می کنم. این ماه را رشته ای بین خود و بندگانم قرار دادم که هرکس آن را بگیرد به من می رسد.»

افسوس از کوتاهی ما در طاعت خدا! کجایند شکرگزاران! کجایند تلاشگران! آیا عاقلان توان فهم حق این ندای آسمانی را دارند! چرا جوابی نمی شنوم! کجایند عارفانی که می دانند کسی توان شکر این نعمت را ندارد! کجایند کسانی که اقرار به کوتاهی و عجز دارند که در جواب این منادی آسمانی بگویند: اجابت کرده و یاریت می کنیم. درود و سلام بر تو ای منادی خدای زیبا و جلیل، شاه شاهان، مهربانترین مهربانان، خدای بردبار و کریم، رفیق دلسوز، صاحب عفو بزرگ، تبدیل کننده بدیهای انسان به خوبیها، اینان بندگان گناهکار و طغیانگر، پست و اسیر شهوتها و غفلتها می باشند! ای فرستاده بزرگ خدا! مردگان بظاهر زنده را صدا می کنی، کسانی که قلبهایشان مرده و عقلهایشان جدا و روحهایشان فاسده شده! چرا مردگان را صدا می زنی! کسانی که صدای تو سودی به آنان نمی رساند، مگر اینکه با ندای تو قلبها زنده شده، عقلها بازگشته و روحها بیدار شود و درباره ارزش و بهای گران این ندای آسمانی و بزرگی پروردگار و پستی نفس و سختی آزمایش و بدی حال خود بیندیشند. آنان شایسته راندن و دور نمودن و لعنت و عذاب هستند؛ ولی وسعت رحمت پروردگار باعث این دعوت بزرگ شده است، آن هم با این زبان و بیان لطیفی که بالاتر از تصور انسان و خواسته و آرزوی او است. اکنون با واسطه قرار دادن این ندای آسمانی و لطف بزرگ، از خدا می خواهیم ما را موفق به اجابت این دعوت و کرامت بزرگ بدارد...



# اخلاص در روزه رمضان

ای عاقل درباره روزه ای که می‌گیری بیندیش که اگر با اخلاص، روزه بگیری به تمام کرامتها و مقامهای عالی روزه داران و مخلصین و بیش از آن رسیده و فرشتگان خدا به خدمت درآمده و حتی خدا در خواب قیلوله ات به تو آب و غذا می‌خوراند و کسی توان بیان تعداد فضل و کرامت خدا را ندارد. ولی اگر به خاطر ریا و کسب شهرت روزه بگیری، خوار و از عبادت کنندگان شیطان شده و با چهار اسم خوانده می‌شوی: ای حيله گر! ای فاجر! ای دروغگو! ای ریاکننده! و به این ترتیب سزاوار آتش می‌گرددی و این اختلاف زیاد بخاطر اختلاف نیتهاست.

و اگر مسئله قلب و نیت به این اهمیت نبود، خداوند در قرآن، در سوره شمس یازده قسم به رستگاری کسی که آن را تزکیه کرده، و بدبختی کسی که آنرا آلوده نماید، یاد نمی‌کرد. به همین جهت انسان باید با تمام توان سعی کند که نیت خود را خالص نموده تا جایی که به مقام صدق در اخلاص برسد.





# سخن با دوست

- ◀ خودش فرمود: اگر-گناهان شما را- نبخشم، پروردگار شما نیستم؛ پروردگار شما نیستم؛ پروردگار شما نیستم. پس با ذکر استغفر الله ذالجلال و الاکرام من جميع الذنوب و الآثام یادت می‌کنم و مرا نیز ببخش.
- ◀ کسی که هزار بار سوره توحید را بخواند، روز قیامت عمل هزار پیامبر و هزار فرشته را می‌آورد. و هیچکس نزدیکتر از او به خدا نیست مگر کسی که بیشتر از او آن را خوانده باشد.
- ◀ خداوند صد هزار عمل خوب برای او می‌نویسد و صد کاخ در بهشت برای او می‌سازد، اگر در این ماه هزار بار خدا را تسبیح کند.
- ◀ کسی که در این ماه هزار بار «لا اله الا الله» بگوید، خداوند برای او صد هزار حسنه نوشته و صد شهر برای او در بهشت می‌سازد.
- ◀ در این ماه صد بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له و اتوب الیه و اگر پس از آن صدقه بدهد خداوند او را مورد رحمت قرار داده و گناهان او را می‌آمرزد. و کسی که چهارصد بار بگوید خداوند پاداش صد شهید را برای او می‌نویسد.
- ◀ در تمام ماه با پیروی از امام سجاد علیه السلام در سجده خود این ذکر را بگوید: عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک.
- ◀ صبح و شب و بعد از هر نمازی بگوید: یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر، یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سئله یا من یعطی من لم یسئله و من لم یعرفه تحننا منه و رحمة اءعطنی بمسئلتی ایاک جمیع شر الدنیا و شر الآخرة فانه غیر منقوص ما اءعطیت و زدنی من فضلك یا کریم سپس با دست چپ محاسن خود را گرفته و انگشت سبابه دست راست خود را حرکت داده و گریه کند و بگوید: یا ذالجلال و الاکرام یا ذالنعماء و الجود یا ذالمن حرم شیبتی علی النار.
- ◀ بارالها به حق نجواهای شبانه اهالی رجب ما را نیز مشمول رحمت این ماه قرار بده.

«المراقبات، سالک الی الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، اعمال ماه رجب»



# خدایا وظیفه ام چیست؟ کدام کار را انجام دهم؟

گفت‌وگو با خانم سیده سیما موسوی مقدم؛

سطح سه‌تعلیم و تربیت، کارشناس ارشد روانشناسی و مشاور مرکز مشاوره سماح در حیطه خانواده، تخصصی زوج‌درمانی

با توجه به دغدغه طلاب در امر تحصیل، فرزندآوری و خانه‌داری، برای یک طلبه بهتر است به کدام یک پردازد؟ آیا تلفیق این موارد با یکدیگر امکان‌پذیر است؟

با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری نسبت به بانوان که احترام زیادی برایشان قائل هستند، می‌گویند یک زن فقط خانه‌داری محض نمی‌کند؛ بلکه در کنار اینکه مادر خوب و همسر خوبی هست باید به فکر رشد و پیشرفت اجتماعی نیز باشد. باید اصالت و اولویت را به خانواده و نقش همسری و مادری داد اما با توجه به اینکه حق رشد و پیشرفت دارد، می‌تواند جامعه را به سمت تعالی نیز پیش ببرد. یکی از دغدغه‌های مهم مراجعین این است که چه کار کنیم که خانواده لطمه نخورد و همچنین خودمان هم بتوانیم درس بخوانیم و پیشرفت داشته باشیم؟

همان‌طور که حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها بهترین همسر و بهترین مادر بودند؛ با این حال به مباحث اجتماعی و خطبه‌خوانی و دفاع از حضرت علی‌علیه‌السلام در مسجد نیز ورود پیدا کردند. یک خانم وقتی از محل تحصیل یا کار به خانه برمی‌گردد، تازه نقش مادری و همسری او شروع می‌شود. با توجه به فشار درس و کار منزل او باید مدیریت زمان را برنامه‌ریزی یاد بگیرد و به آن عمل کند. باید اهداف روزمره خود را تنظیم کند و بداند در این هفته چه برنامه‌هایی دارد. با توجه به مباحث دروس حوزوی باید بداند ابرقهرمان نیست و نمی‌تواند همه چیز را با هم جمع کند و حال خوبی داشته باشد و آن حال خوب را نیز به بقیه اعضای خانواده منتقل کند. یک خانم طلبه باید با توجه به شرایط جسمی و روحی



و توان خود و خانواده‌اش انتخاب واحد کند و هدفی واقع‌گرایانه داشته باشد. یک نسخه یکسان برای همه طلبه‌ها نمی‌توانیم ارائه دهیم که همه باید مثلاً ۴ یا ۵ ساله واحدهای درسی را به اتمام برسانند. ما درس می‌خوانیم که روان مان رشد کند نه اینکه اضطراب و تنشی از حجم درس و غیبت کلاسی و... به ما و خانواده وارد شود.

وقتی یک خانم طلبه نمی‌تواند وقت زیادی را در طول روز برای مطالعه بگذارد، بهترین زمان بعد از نماز صبح است که اعضای خانواده خواب یا مشغول عبادت هستند. او می‌تواند از این زمان برای مطالعه و دسته‌بندی دروس استفاده کند. برای تأمین سلامت روان خانم در خانه که قطعاً به سلامت روان اعضای خانواده بستگی دارد، این برنامه‌ریزی برای همه امور، لازم و ضروری است.

او با درس خواندن می‌خواهد به رشد و تعالی برسد، نه اینکه حجم بالای درس برایش باعث استرس و اضطراب شود. با مدیریت زمان و برنامه‌ریزی می‌توان به بالاترین مراتب رسید. باید خودمان و اصالت وجودی خودمان را بپذیریم. اولویت‌بندی کنیم و شرایط را در نظر بگیریم. بعضی از مراکز آموزشی به طلاب و محصلین فشار روانی وارد می‌کنند. البته حق می‌دهم که مرکز آموزشی قوانین خاص خود را داشته باشد، ولی طلبه با وجود فرزندان و کار منزل باید سنوات و تعداد واحدهای درسی که ارائه می‌دهند را با شرایط خود تطبیق دهد تا بتواند به آموزش با آرامش پردازد. البته شایان ذکر است که مقداری تغییر در سیستم آموزشی حوزه از جمله: حجم دروس ارائه شده، میزان مرخصی، غیبت‌های کلاسی و... باید ایجاد شود تا طلاب با اشتیاق بیشتری به سمت جامعه متعالی گام بردارند و در تمامی زمینه‌های محوّل شده، بتوانند موفق باشند.

# گزارشی از دوره تربیت مربی حفظ قرآن کریم

◀ راضیه سلیمیان، فارغ التحصیل سطح دو  
◀ سمیه صفار و مریم شوریده، طلاب سطح دو

سرکار خانم هاشم‌آبادی، مسئول آموزش موسسه معهد القرآن الکریم و اهل بیت بیان داشتند: « به لطف خداوند سبحان و با همکاری مدرسه علمیه تخصصی آیت الله ایروانی رحمة الله علیه توانستیم در منطقه پردیسان دوره‌های تربیت معلم را برگزار کنیم که شامل موارد زیر بود:

۱\_ دوره تربیت معلم تخصصی تجوید قرآن.

۲\_ دوره تربیت معلم تجوید سطح ۱.

۳\_ دوره تربیت معلم روخوانی کودک، در دو دوره.

۴\_ دوره تربیت معلم حفظ قرآن.»

ایشان در ادامه افزودند: «منطقه پردیسان کودکان و نوجوانان و جوانان زیادی دارد که مشتاق فراگیری قرآن اند و ما با کمبود استاد و مربی مواجه شدیم. بنابراین با همفکری مدرسه علمیه تخصصی آیت الله ایروانی رحمة الله علیه تصمیم گرفتیم این دوره‌ها را برگزار کنیم. منابع آموزشی دوره‌ها، تألیفات استاد علی قاسمی است و اساتیدی از جمله: مدیرعامل موسسه، آقای دکتر علی قاسمی؛ حجه الاسلام و المسلمین مهندسی؛ استاد علی عسگری؛ و اساتید موفق کشوری و استانی قم، در این دوره‌ها نیرو پروری کردند.»

شرکت کننده دوره‌ها از استان قم، اهالی پردیسان و از شهرستان بشاگرد در شرق استان هرمزگان بودند.

در پایان کلام ایشان، بیان کردند: «امیدواریم همه خواهران مشغول به تدریس شوند و دوره‌های قرآنی خیلی خوبی برگزار کنند.»

حجت الاسلام و المسلمین مهندسی از اساتید دوره نیز در تبیین تربیت معلم حفظ قرآن کریم بیان داشتند: «مقام معظم رهبری مدظله العالی فرمودند: «ما باید ۱۰ میلیون حافظ قرآن داشته باشیم.» این کلام، رسالت ما را به عنوان اهل القرآن سنگین می‌کند... چه کسی باید این فرمایش رهبری را انجام دهد؟ طبیعتاً ما حافظان و اساتید قرآنی باید خودمان را



رشد دهیم، دانش‌افزایی داشته باشیم و خودمان را برای سربازی قرآن کریم آماده نماییم. اگر ما اساتید قرآن، برای توسعه حافظان قرآن، از لحاظ کمی و کیفی تلاش نکنیم، منویات رهبری بر زمین می‌ماند.» ایشان رسالت حافظان قرآن را، عمل به این وظیفه دانستند. و در ادامه بیان کردند: «حفظی که مد نظر داریم، حفظ محتوا محور است. یعنی حفظ الفاظ نورانی قرآن با توجه به معارف انسان ساز و حیات بخش قرآن در غالب یک قرائت فصیح و زیبا و یک ترتیل مناسب. زمانی که حافظان قرآن، حفظشان با عمل خالصانه به معارف قرآنی همراه شود، می‌تواند هم بصورت عمومی در عامه مردم و هم بصورت خاص در طلبه‌ها تأثیر بگذارند و رسالت بزرگشان را انجام دهند... به امید روزی که ۱۰ میلیون حافظ قرآن در ام‌القری جهان اسلام، ایران داشته باشیم.»

پنج نفر از شرکت کنندگان دوره تربیت معلم حفظ قرآن از استان هرمزگان شهرستان میناب، بخش سندرک، روستای دره آلوی و روستای درجک از توابع بشاگرد بودند. خانم زینب سلیمی سطح دو حوزه علمیه حضرت زینب سلام‌الله‌علیها حافظ ۸ جزء قرآن درباره منطقه شان چنین گفتند: «جمعیت روستای ما ۱۱۰ نفر است. ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر آن دانش‌آموز هستند، ۱۳۰ نفر آنها دانش‌آموز قرآنی‌اند. به همت مرحوم حاج عبدالله والی و برادرانشان، در منطقه موسسه قرآنی تاسیس شد که در آن ۶۵ نفر بطور تخصصی حفظ قرآن کار می‌کنند و ۸۰\_۱۰۰ نفر در طرح‌های تابستانی شرکت می‌کنند.» ایشان در ادامه افزودند: «۳۳ ساعت مسافت زمانی روستای ما تا پردیسان هست و این مسافت را طی کرده‌اند تا روش تدریس اصولی حفظ قرآن را یاد بگیرند و بتوانند در محله و منطقه شان حفظ قرآن را اصولی تدریس کنند و باعث ترویج بیشتر فرهنگ قرآنی شوند.» خانم فاطمه سلیمی، حافظ ۱۲ جزء قرآن از مکان برگزاری دوره و اساتید کشوری که دعوت شده بودند، اظهار خرسندی کرد. در ادامه خانم زینب کرم شاهی، حافظ کل قرآن بیان کردند: «ویژگی مهم این دوره، آموزش روشها و شیوه‌های اصولی حفظ قرآن توسط اساتید برتر کشوری بود.» خانم فاطمه محمودی، حافظ ۹ جزء قرآن در توصیه ای به طلاب گفتند: «طلبه‌های قمی با توجه به شرایطی که دارند، از این امکانات بهره بیشتری ببرند.» در پایان خانم لیلا سلیمی، حافظ ۶ جزء قرآن از موسسه ایمان جهادی صهبا و حاج آقا مؤمنی، که با حمایت‌های مالی ایشان موفق به شرکت در دوره تربیت معلم حفظ شده‌اند، تقدیر و تشکر کردند.

# همسر عزیز و مهربانم چگونه حق شما را ادا کنم؟

◀ ساجده سادات موسوی؛ طلبه سطح دو

## محبت به همسر و فرزندان

یکی از رفتارهای مهم و اثرگذار شهید سلیمانی در ارتباط با همسر و فرزندان، محبت است. شهید سلیمانی از عمق دل همسر و فرزندان را دوست داشت و این امر را در قالب بهترین رفتار و زیباترین واژه ابراز می‌کرد؛ چنانکه در آخرین نامه به همسرش، ضمن تبریک روز زن می‌نویسد: «همسر گرانقدر عزیز و مهربانم؛ حقیقتاً مانده‌ام در پیشگاه خداوند که چگونه می‌توانم در این روزهای قریب رفتن، حق نزدیک چهل ساله شما را اداء کنم. امیدی جز بخشش و محبت پیوسته شما و خداوند سبحان ندارم. روزت را تبریک می‌گویم و به خاطر این صبرچهل ساله، دست‌تان را می‌بوسم...».

ایشان فرزندان را نیز به شدت دوست داشت؛ زیرا باور داشت که در گزاره‌های دینی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است؛ چنانکه امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَاكَ؛ خداوند به بنده‌اش به خاطر محبت زیاد بنده به فرزندش رحم می‌کند». شهید سلیمانی در نامه به دخترش می‌نویسد: «بارها در طول مسیر چهره‌های پر از محبت‌تان را یکی یکی جلوی چشمانم مجسم کرده و بارها قطرات اشکی به یادتان ریخته‌ام. دلتنگ‌تان شده‌ام، به خدا سپردم‌تان. اگر چه کمتر فرصت ابراز محبت یافته‌ام و نتوانستم آن عشق درونی خودم را به شما برسانم، اما عزیزم هرگز دیده‌ای کسی جلوی آینه خود را ببیند و به چشمان خود بگوید دوستتان دارم؛ کمتر اتفاق می‌افتد، اما چشمانش برایش با ارزش‌ترینند. شما چشمان منید. چه بر زبان بیاورم و چه نیاورم، برایم عزیزید.»

## جلب رضایت و تکریم والدین

جلب رضایت والدین، حاکی از اهمیت و جایگاه بلند والدین است تا آنجا که جلب رضایت و نارضایتی والدین با رضایت و نارضایتی خداوند گره خورده است. رسول خدا صلوات‌الله‌علیه در این زمینه فرموده است: «رِضَا اللَّهِ مَعَ رِضَا الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُ اللَّهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ؛ خشنودی و رضای خداوند همراه با

بی‌تردید شهید سلیمانی، صاحب مکتب در عرصه‌های اخلاق، معنویت، ولایت‌مداری و مدیریت نظامی است؛ چنانکه مقام معظم رهبری فرموده است: «... که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز... به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آن‌ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم.»

آنچه که امروزه صاحبان قلم و نظریه‌پردازان بدان پرداخته‌اند، ابعاد و زاویه‌های مکتب‌مدیریتی، نظامی و... سردار سرافراز اسلام است، اما فضای فکری و رفتارشناسی این سردار سرافراز نسبت به اعضای خانواده‌اش مورد توجه قرار نگرفته و یا کمتر بدان پرداخته شده است؛ این در حالی است که شهید سلیمانی در این عرصه نیز الگویی موفق است. از این‌رو الگوگیری از نظام خانوادگی شهید سلیمانی نیز بایسته است.







شهادت طلبی

خشنودی پدر و مادر است و سخط و خشم خداوند همراه با سخط و خشم پدر و مادر است».

شهید سلیمانی نیز در صدد جلب رضایت والدین بود و سعی می‌کرد در قالب‌های مختلفی همچون خدمت به والدین، زمینه خشنودی پدر و مادرش را فراهم کند. شهید آنچنان دلبسته پدر و مادرش بود که در آخرین وصیت‌نامه‌اش محشور شدن و دیدار ملاقات با آنان را از خداوند متعال مسئلت می‌کند:

«خداوندا! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت علیهم‌السلام و پیوسته در مسیر پاکی، بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشتت و با اولیائت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرمایی».

برادر شهید سلیمانی می‌گوید: «او همیشه سعی می‌کرد رضایت پدر و مادر را جلب کند؛ چرا که رضایت خدا را در رضایت آن‌ها می‌دانست؛ حتی بچه‌ها و اقوام را به احترام به پدر و مادر سفارش می‌کرد. ایشان همیشه دست پدر و پای مادر را می‌بوسید. پدرمان خیلی دوست داشت حاجی به آرزویش که شهادت است، برسد و همیشه برایش دعا می‌کرد که این آرزوی برادرم برآورده شود.»

رویکرد شهید سلیمانی، فروتنی و تکریم نسبت به والدین خود بود. این امر در رفتار ایشان آنچنان برجسته بود که پای مادر را می‌بوسد و بدان افتخار می‌کند و اگر گاهی این امر ممکن نمی‌شد، از آن به عنوان آرزو و حسرت یاد می‌کرد. یکی از یاران ایشان می‌گوید: «ما نگران بودیم (مادر شهید سلیمانی در بیمارستان بود) که اتفاقی برای او رخ بدهد و از طرفی می‌دیدم که شهید سلیمانی زیاد نگران است. رفتیم و سرک کشیدیم. دیدیم سردار سلیمانی کنار پای مادر نشسته و جوراب‌ها را از پای مادرش درآورده و پاهای مادر را بر روی پیشانی و چشمانش می‌کشد و اشک می‌ریزد.»

### روحیه شهادت طلبی سردار

یکی از رویکردهای مهم شهید سلیمانی، تربیت فرزندان مبتنی بر فرهنگ شهادت، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی است. شهید سرافراز اسلام این رویکرد را از خانواده شروع نمود؛ یعنی از همان آغاز زندگی فرزندان، از شهادت طلبی و روحیه جهادی و آه و ناله‌های کودکان مظلوم و ظلم‌ظالمان،

برای اعضای خانواده سخن گفت و کلمات قصار امام علی علیه‌السلام را آوازه گوش فرزندان می‌نمود: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». ایشان بارها اشتیاق و علاقه‌اش به شهادت را در کانون خانواده بیان می‌کرد؛ چنانکه در نامه‌ای به دخترش فاطمه می‌نویسند: «برای تو می‌نویسم؛ چون می‌دانم مقدسانه مرا دوست داری. آه! مرگ خونین من! عزیز من! زیبای من!

کجایی؟ مشتاق دیدارت هستم... وقتی بوسه انفجار تو، تمام وجود مرا در خود محو می‌کند؛ دود می‌کند و می‌سوزاند. چقدر این لحظه را دوست دارم. آه... چقدر این منظره زیباست. چقدر این لحظه را دوست دارم. در راه عشق جان دادن خیلی زیباست. خدایا! سی سال برای این لحظه تلاش کردم. برای این لحظه با تمام رقبای عشق در افتاده‌ام. زخم‌ها برداشته‌ام، واسطه‌ها فرستاده‌ام. چقدر این منظره زیباست! چقدر این لحظه را دوست دارم.»

این سردار سرافراز همواره در صدد القای فرهنگ ظلم‌ستیزی و شهادت‌خواهی برای فرزندان بود؛ چنانکه در نامه‌ای از همسرش می‌خواهد دعا کند که شهید شود. نامه شهید سلیمانی به دخترش نیز ناظر بر همین مطلب است: «عزیزم از خدا خواستم همه شریان‌های وجودم را و همه مویرگ‌هایم را مملو از عشق به خودم کند. وجودم را لبریز از عشق خودم کند. این راه را انتخاب نکردم که آدم بکشم، تو می‌دانی من قادر به دیدن بریدن سر مرغی هم نیستم... و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم؛ نه برای اسلام عزیز جان بدهم که جانم قابل آن را ندارد، نه برای شیعه مظلوم که ناقابل تر از آنم، نه نه... بلکه برای آن طفل وحشت‌زده بی‌پناهی که هیچ ملجائی برایش نیست، برای آن زن بچه به سینه چسبانده هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب که خطی خون پشت سر خود بر جای گذاشته است، می‌جنگم.»

این فضائل قطره ای اندک از دریای احترام و تکریم سردار با همسر و فرزندان و والدین شان بود، باشد که ما با تأسی از رفتار و سبک زندگی ایشان بتوانیم گامی در جهت آماده سازی حکومت مهدوی برداریم.

(پایگاه اینترنتی بلاغ، ۱۴۰۲/۱۲/۱۵)

# مهم ترین محورها شهادت سید شهید حاج

## شکر الهی

- تورا شکر گزارم که پس از عبد صالحت خمینی، مراد مسیر خامنه‌ای عزیز قرار دادی.
- شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مراد مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش قرار دادی.
- تورا سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت بهره مند نمودی.

## خطاب به مجاهدان

- بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند.
- به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید.

## خطاب به مردم کرمان

- مردم کرمان فرزندان خود را در جنگ‌های شدید روانه کردند و لشکر بزرگ تارا لله بنیان گذاری شد.
- امروز به تقدیر الهی از میان شمارفته‌ام، من شمارا از خانواده خود بیشتر دوست دارم.
- دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند.

## خطاب به سیاستمداران

- اگر عمل و کلام شما تضعیف کننده دین و انقلاب بود، مغضوب نبی مکرم و شهدا هستید.
- اعتقاد عملی به ولایت فقیه یعنی با جان و دل به توصیه و تذکرات او عمل کنید.
- اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و مبانی آن داشته باشید.
- افراد پاک دست و معتقد و خدمتگزار به ملت را به کار بگیرید.
- مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهید.
- احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانید.
- همانند پدران جامعه به تربیت و حراست از جامعه توجه کنید.

## خطاب به علما و مراجع معظم

- اگر این نظام آسیب ببیند، دین و ارزش‌های آن از بین می‌رود.
- راه صحیح، حمایت از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است.





# بی از وصیت نامه قاسم سلیمانی

## مناجات با خدا

- دستم خالی است و کوله پشتهی سفرم خالی، به امید ضیافتِ عفو و کرم تو می آیم.
- مرا پاکیزه بپذیر؛ آن چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم.
- من سال هاست از کاروانی به جامانده ام و تو خود می دانی هرگز نتوانستم آنها را از یاد ببرم.
- مرا به قافله ای که به سویت آمدند، متصل کن.

## خطاب به مردم ایران

- از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً خامنه ای عزیز را عزیز جان خود بدانید.
- مذمت دشمنان و شماتت و فشار آنها، شمارا دچار تفرقه نکند.
- مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد.
- شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید.
- نیروهای مسلح را برای دفاع از خودتان، مذهبتان، اسلام و کشور احترام کنید.

## خطاب به خانواده شهدا

- صوتی که روزانه با آن مانوس بودم، صدای فرزندان و پدر و مادر شهدا بود.
- مرا حلال کنید و عفو نمایید. نتوانستم حق لازم شما را اداء کنم.

## خطاب به سپاه و ارتش

- ملاک انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرتِ اداره بحران قرار دهید.
- شناخت به موقع از دشمن و اخذ تصمیم و عمل به موقع داشته باشید.

## طلب حلالیت

- از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و عفو دارم.
- از رزمندگان لشکر ثارالله و نیروی باعظمت قدس طلب بخشش و عفو دارم.
- از برادران رزمنده و مجاهدم که به زحمت انداختمشان عذرخواهی می کنم.



## دختر مبارز؛

## شهیده ناهید فاتحی کرجو

◀ مائده جوشقان نژاد؛ طلبه سطح دو

می‌کرد به طوری که از دست او کلافه می‌شدیم. هر وقت با بچه‌ها بازی می‌کرد، در خانه هر چه میوه و خوراکی بود می‌برد تا با بچه‌ها تقسیم کند و با آنها بخورد. پدرش نقل می‌کرد: من از پرسنل ژاندارمری بودم. زیاد به مأموریت می‌رفتم. یک بار که برای او عروسک گران قیمتی آوردم، عروسک را با برد بیرون تا با بچه‌های همسایه بازی کند. وقتی برگشت، عروسک همراهش نبود. مادرش از او ناراحت شده بود. عصر آن روز عروسک را برگرداند و برای مادرش تعریف کرد: «دوستم عروسک نداشت؛ وقتی گریه کرد و گفت بابایم برای من عروسک نمی‌خرد دلم برای او سوخت. دختر خوبی است. عروسک خودم را به او دادم و گفتم عروسکم را خراب نکند. او هم با عروسک بازی کرد و بعد آن را به من برگرداند.»

## دختر مبارز

با شروع حرکت‌های انقلابی مردم ایران، ناهید هم به سیل خروشان انقلابیون پیوست و با شرکت در راهپیمایی‌های ضد طاغوت، در جرگه دختران مبارز کردستان قرار گرفت. روزی با دوستانش به قصد شرکت در تظاهرات علیه رژیم شاه به خیابان‌های اصلی شهر رفت. لحظاتی از شروع این خیزش مردمی نگذشته بود که ماموران شاه به مردم حمله کردند. آن‌ها ناهید را هم شناسایی کرده بودند و قصد دستگیری او را داشتند که با کمک مردم از چنگال دژخیمان فرار کرد. برادرش می‌گوید: «آن شب ناهید از درد نمی‌توانست درست روی پایش بایستد، پشتش بر اثر ضربات ناشی از اصابت باتوم کبود شده بود.»

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع شرارت‌های ضدانقلاب در مناطق مختلف کردستان، ناهید که تازه پا به دوران نوجوانی گذاشته بود، همکاری‌اش را با ارتش و سپاه آغاز کرد. شروع این همکاری، خشم ضدانقلاب به خصوص گروهک «کومله» را که زخم خورده فعالیت‌های انقلابی این نوجوان و سایر دوستانش بود، برانگیخت.



## کودکی ناهید

ناهید در چهارمین روز از تیرماه سال ۱۳۴۴ در شهر سنندج به دنیا آمد. پدرش «محمد» از پرسنل ژاندارمری بود و مادرش «سیده‌زینب» خانه دار بود. مهربان، مسئولیت‌پذیر و شجاع بود و در دامن پر معرفت و عفت مادر، با بزرگ شدن جسم، روح معنوی خود را هم پرورش می‌داد.

عشق به عبادت در سنین کم از ویژگی‌های منحصر به فرد ناهید بود. آن قدر در محراب عبادت با خدا راز و نیاز می‌کرد و لذت می‌برد که به پدرش گفت: «اگر از چیزی ناراحت و دل‌تنگ باشم و گریه کنم، چشمانم سرخ می‌شود و سرم درد می‌گیرد اما وقتی با خدا راز و نیاز و گریه می‌کنم، نه خسته‌ام و نه سردرد و ناراحتی جسمی احساس می‌کنم، بلکه تازه سبک‌تر و آرام‌تر می‌شوم.»

## دلی به وسعت دریا

مادرش می‌گفت: او از کودکی دلی به وسعت دریا داشت و معنای محبت و همدردی را به خوبی درک



## در انتظار ناهید...

می‌شد. یک روستایی دیده‌های خود را از آن اتفاق اینگونه تعریف می‌کند: «آن‌ها سردختری را تراشیده بودند و او را در روستا می‌گرداندند. کومه‌ها به آن دختر نوجوان می‌گفتند: آزادت نمی‌کنیم مگر اینکه به خمینی توهین کنی!» اما بصیرت، ایمان و شجاعت این نوجوان دلیر باعث شد هرگز علیه امام و رهبر خود زبان باز نکند.

## طعم تلخ شیرینی!

یازده ماه از ربوده شدن ناهید می‌گذشت که پیکر مجروح و کبودش را با سری شکسته و تراشیده در سنگلاخ‌های اطراف روستای «هشمیز» پیدا کردند. وقتی پیکر مجروح و بی‌جان او را به شهر سنندج انتقال دادند مادرش بسیار بی‌تابی می‌کرد و چندین بار از هوش رفت. پیکر صدمه دیده و آغشته به خون ناهید اگرچه دیگر صدایی برای فریاد زدن و جانی برای فدا کردن در راه انقلاب نداشت اما کتابی مصور از ددمنشی ضدانقلاب بود. او همواره حلقومی برای هزاران فریاد مظلومیت و ایستادگی است. زنان آن روز، با دیدن آثار شکنجه‌های وحشیانه بر بدن ناهید، سر شکسته و تراشیده‌اش به ماهیت اصلی ضدانقلاب بیش از پیش پی برده و با ایمان و بصیرتی بیشتر به مبارزه با آنان همت گماشتند. خانواده شهید فاتحی کرجو، صلاح ندیدند وی را در سنندج دفن کنند و پیکرش را به تهران منتقل و در قطعه شهدای انقلاب بهشت زهرا(س) تهران دفن کردند.

(فاتح هشمیز، خبرگزاری مشرق نیوز ۱۳۹۱/۲/۱۳)

اوایل زمستان سال ۱۳۶۰ بود که ناهید به شدت بیمار شد و برای مداوا به درمانگاهی در میدان مرکزی شهر سنندج مراجعه کرد. چند ساعتی از رفتن ناهید گذشته بود اما از بازگشتش خبری نبود. مادر در خانه نگران و چشم‌انتظار چشم به در دوخته بود تا دختر نوجوانش برگردد. آن روزها در سنندج امنیت برقرار نبود و این واقعیت، دل مادر را بیشتر می‌لرزاند. جستجوی خانوادگی با رفتن دختر بزرگ خانواده به سمت درمانگاه شروع شد اما او هم با تمام دل‌نگرانی‌ها بعد از ساعت‌ها جستجو، خواهر نوجوانش را پیدا نکرد. خبری از ناهید نبود. انگار که اصلاً به درمانگاه نرفته بود. آن وقت‌ها پدر ناهید در جبهه خرمشهر برای آزادی این شهر از چنگال بعثی‌ها می‌جنگید و مادر شیرزنی که مسئولیت سرپرستی و مدیریت عاطفی خانواده را بر عهده داشت به تنهایی همه جا دنبال دخترش می‌گشت تا اینکه بالاخره از چند نفر که ناهید را می‌شناختند و او را آن روز دیده بودند شنید که چهار نفر، ناهید را دوره کرده و به زور سوار مینی‌بوس کرده و برده‌اند. کجا؟ هیچ کسی نمی‌دانست. چرا کسی معترض ربایندگان نشده بود؟ آیا ناهید کار اشتباهی کرده بود که باید دستگیر می‌شد؟ آن هم توسط گروهی ناشناس! شواهد نشان می‌داد که این دختر نوجوان با دسیسه گروهی ضدانقلاب به جرم همکاری با سپاه و حمایت از آرمان‌های انقلاب اسلامی و ولایت‌پذیری امام خمینی(ره) ربوده شده است. بعد از ربوده شدن ناهید، خانواده‌اش را تهدید می‌کردند. افراد ناشناس به خانه آن‌ها نامه می‌فرستادند که «اگر باز هم با سپاه و پیش‌مرگان و انقلاب همکاری کنید بقیه بچه‌هایتان را هم می‌کشیم.»

## جاسوس خمینی!

چند ماه بعد از ربوده شدن ناهید، در شهر پیچید که دختری را در روستاهای کردستان با دستانی بسته و سری تراشیده به جرم اینکه «این جاسوس خمینی است!» می‌چرخانند. این خبر در مدت کوتاهی همه جا پخش شد و نگرانی‌های مادر را به یقین تبدیل کرد. او خود ناهید بود. این ویژگی که برای کومه و ضدانقلاب اتهام بود، برای ناهید افتخار محسوب





## کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها بهجة قلب المصطفى



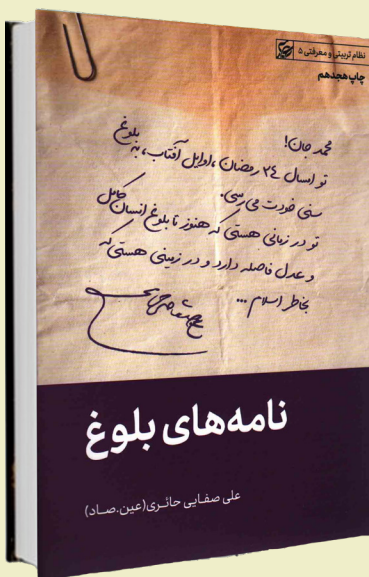
کتابی مفصل از فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها تألیف احمد رحمانی همدانی است. این اثر از نظر گردآوری اطلاعات و جامعیت مورد توجه قرار گرفته و به نام «فاطمه زهرا سلام الله علیها شادمانی دل پیامبر صلوات الله علیه» به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. کتاب با نقل سخن پژوهشگران درباره حضرت زهرا سلام الله علیها آغاز شده و موضوعاتی از قبیل: سیر تاریخی زندگانی و فضائل و مناقب را پی گرفته است. نویسنده در مقدمه کتاب به اختصار از مقام آن حضرت نزد ائمه اطهار علیهم السلام سخن گفته و در فصل نخست به مقام او نزد مورخان، محدثان و نویسندگان قدیم و جدید می پردازد. فصول بعدی تا فصل یازدهم با دسته بندی های مختلف به مناقب و فضائل آن حضرت پرداخته است. فصل ۱۲ تا ۱۷ درباره

مادرش خدیجه کبری سلام الله علیها و چگونگی ولادت و نام ها و القاب آن حضرت است. در فصل های بعدی سخنان و آثار حضرت زهرا سلام الله علیها، دفاع از ولایت، خطبه فدکیه و مباحث مربوط به آن، ازدواج و خانواده و فرزندان، مصائب او و مباحث مربوط به شهادت بحث و بررسی شده است. فصل آخر کتاب به کتابشناسی اجمالی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها اختصاص دارد و به نام بیش از ۲۶۰ کتاب در این زمینه اشاره شده است. بخشی از مطالب کتاب به نقل احادیثی اختصاص دارد که در ابتدای آن ها قسم یاد شده و فضیلتی از فضایل حضرت فاطمه سلام الله علیها را بیان کرده است.

## بخش هایی از کتاب نامه های بلوغ

«یا آیتها النفس الْمُطْمَئِنَّةُ إِرْجَعِي إلی رَبِّکِ راضیةً مَرْضیةً»

«منیره جان! نازنین مهربانم؛ جوانه ی زنده ی قلبم! ماه هست که می خواهم برای تو که مثل آبی آسمان و جاری آب ها هستی، حرف هایی را بنویسم؛ حرف هایی که در همین ماه ها در دل من جوشیده اند و در ذهنم شکل گرفته اند. ولی می بینم که این حرف ها، برای دل کوچک و مهربان تو و برای ذهن صاف و روشن تو، سنگین و بزرگ است. مدتی منتظر ماندم تا تو به بلوغ ذهنی و رشد روانی بیشتری برسی. حرف هایی را که نمی توانم تخفیف بدهم با انتظار بلوغ تو، به تأخیر انداختم؛ ولی می بینم هنوز تو می خواهی بر روی دست های من پرتاب شوی و هم چون مهدیه، در آغوش من بمانی. با اینکه در تو جوانه های بلوغ دارد سر می کشد و تو از روز اول ماه رجب ۱۴۰۹، ساعت نه و نیم صبح، دهمین سال عمرت را آغاز کرده ای، ولی هنوز صلابت بلوغ و استقلال بلوغ و حتی عصیان و سرکشی همراه بلوغ را نداری. تو مثل جریان آرام آبی هستی که روشن و زلال حرکت کرده و عفونت و کدورتی را با خود ندارد. راستی، حیقم آمد که از این همه ابتهاج و سروری که در دل من موج می زند، موج هایی که گاهی از خود شما، از نگاه شما، از حالت های شما و از حرف های شما سر می گیرد، برای شما سهمی نگذارم و در جام پاک شما جرعه ای نریزم و شما را به این ضیافت نور و سرور نخوانم. راستی، چه کسی باور می کند که در این دنیای رنج، این همه سرشاری و در این



کویر درد، این همه شادابی و در این آسمان تار، این همه نور و سرور و برفراز این همه حقارت و شماتت، این قدر اقتدار و شکوه؟»  
کتاب نامه های بلوغ حاوی نامه های علی صفایی حائری به فرزندانش است. او این نامه ها را هنگام بلوغ فرزندانش برایشان نوشته است. مخاطب این نامه ها اگرچه فرزندان نویسنده اند اما در واقع خطاب به عموم جوانان است.



# گزیده ای از کتاب آخرین انقلاب انقلابی دیگر، فرح رامین

## ◀ محدثه سعیدی؛ طلبه سطح دو

به طور کلی انقلاب، به معنای تغییر و دگرگونی ذات هر چیزی به کار می‌رود. از نگاه اندیشمندان و نویسندگان با توجه به دیدگاه آنان، تعبیر گوناگونی بکار برده شده است. به عنوان نمونه عنوان کردند که انقلاب سیاسی-اجتماعی، حرکتی است مردمی، توأم با خشونت، در جهت تغییر سریع و بنیادین ارزش‌ها و باورهای مسلط نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی جامعه؛ و یا انقلاب تمام عیار، انقلابی است که نظام مطرود و نامطلوب را تخریب کند و نظامی مطلوب و مقبول را جایگزین نماید؛ نهادهای سیاسی رژیم سابق را واژگون سازد و گروه‌های جدید بسیج شده و نهادهای سیاسی تازه‌ای را خلق کند و این امر، با از هم پاشیدن و خشونت نهادهای سیاسی قدیم و برپایی نظام جدید توأم است.

مفهوم انقلاب در کاربرد سیاسی، با ویژگی‌هایی همراه است، که این پدیده اجتماعی را از حرکت‌های اصلاح طلبانه نهضت‌های آزادی بخش کودتا و شورش ممتاز می‌نماید. این شرایط و ویژگی‌ها، در قیام حضرت وجود دارد؛ از این رو، خروج ایشان را می‌توان (انقلاب) نامید. این ویژگی‌ها مشتمل بر حرکتی سریع و مردمی و در جهت تغییر ارزش‌ها و ساختارها است که همراه با جنگ برعلیه سپاه کفار اتفاق می‌افتد.

به طور کلی، برای وقوع هر انقلابی، سه رکن اصلی مردم و رهبری و ایدئولوژی لازم است. در هنگام وقوع انقلاب، گروه چشمگیری از توده‌ها در انقلاب مشارکت می‌کنند و دیگران عملاً به مخالفت با آنها نمی‌پردازند. ایجاد نارضایتی عمومی، پیش از وقوع انقلاب مهدوی و خواستار رهایی از ظلم بودن، نشانگر این مسئله است که در هر انقلابی، وجود رهبری ضروری است که بتواند نارضایتی‌های موجود در جامعه را فعال سازد و آنها را به سمت براندازی هدایت نماید.

امام مهدی عجل‌الله در اعتقاد شیعه، تنها رهبر حکومت اسلامی نیست؛ بلکه یک مقام والای معنوی و دینی است که برقراری عدالت اجتماعی و تمام صفات حکومت صالحان به دست مهدی موعود داده شده است. برخی از نظریه پردازان درباره نقش امام خمینی رحمة‌الله در وقوع انقلاب اسلامی، به عنوان آخرین انقلاب قرن تصریح کردند.

امتیاز اساسی انقلاب مهدوی بر دیگر انقلاب‌های معاصر غربی، در ایدئولوژی مبانی و غیایاتی است که بر روش‌ها و استراتژی‌های این انقلاب تأثیر شگفت دارد. در اندیشه غرب، انقلاب در علوم اجتماعی و انسانی بررسی می‌شود که علم تجربی هستند و از دین و اخلاق و سبقه الهی آسمانی و معنوی تهی هستند. انقلاب مهدوی سیر و دگرگونی مبانی است که اومانیسیم خودمحوری و خود بنیادی در برابر حق را نفی می‌کند؛ این انقلاب استقرار مدینه اسلامی، حاکمیت قانون الهی و رستگاری و قرب الهی را غایت خود می‌داند. با رویکرد معنوی به بشر، انقلاب در جان و احوال مردم آغاز می‌شود. بست خودآگاهی دینی، زمینه‌های ظهور تمام عیار انقلاب را مهیا می‌سازد. ایدئولوژی این انقلاب برگرفته از اسلام ناب شیعی است؛ همان توحید، نبوت، امامت، عدالت و اعتقاد به زندگی ابدی است.

آیات و روایاتی مانند (افضل الاعمال انتظار الفرج) نشان می‌دهد که انتظار، یک حالت روانی نیست بلکه عمل آدم در وقوع انقلاب است. پس از مردم خواسته شده تا در این جهت گام بردارند. اگر از دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای متعال آن روز را چنان طولانی می‌کند تا حضرت مهدی عجل‌الله ظهور نماید. علاوه بر اراده الهی، باید قدرت و اراده پولادین انسان‌ها ظهور یابد؛ باید توجه داشت که ظهور، مشکل فاعلی ندارد بلکه مشکل از ناحیه قابل است. اگر قابل انسان‌ها مقدمات ظهور را فراهم کند ظهور از جانب خداوند متعال لطفی واجب است.





# آن شب فراموش نشدنی

◀ انیس وفائیان، طلبه سطح سه

نبودم. به قول بابام توی رویاهای خودم سیر می‌کردم و توی سریعترین حالت ممکن خودمو از جمع جدا می‌کردم و می‌رفتم تو کنج خلوت خودم. صریح گفتم نه. چون تصورم این بود که مرضیه و بقیه ی نیروهای سال پایینی هستن و از پیشش برمیان. خیلی هم فرصت نبود. یعنی فرض کنید پنج شنبه اردو بود. روز فضا سازی سه شنبه بود. بچه ها فقط یه چهارشنبه فرصت ثبت نام داشتن. خلاصه که روز سه شنبه از ۸ صبح تا ۶ عصر یه سر کلاس داشتیم و لِه و لَوْرده. من داشتم می‌رفتم خونه. محوطه ی دانشکده رو طی کردم و رفتم تو سرسرا. فضا سازی هم قرار بود توی سرسرا انجام بشه. از یه طرف امشب قرار بود فیلم (چ) توی دانشکده اکران بشه. فیلم (چ) در مورد شهید چمران بود و ما بچه های مذهبی دانشگاه هم که همه دلباخته ی شهید چمران بودیم و خودمونو

حوالی اسفند همیشه بساط اردوهای راهیان نور در سراسر کشور به راهه. دانشجوها، طلاب، دانش آموزان و... توی دانشگاه ما هم بسیج داعیه دار این جریان بود.

ثبت نام اردوهای راهیان نور شروع شده بود و پایگاه های بسیج در هر دانشکده، سعی داشتن تا در سطح دانشکده فضا سازی شهدایی انجام بدن و میز ثبت نام بذارن. مسئول بسیج دانشکده ی ما مرضیه بود. مرضیه ورودی ۹۲ بود و تازه مسئول بسیج شده بود.

همون روز اول بهش گفته بودم مرضیه من خیلی درگیر کارای هیأت، خیلی منو درگیر مسائل ریز و جزیی نکن ولی هر جا کم آوردی من هستم. الان هم برای فضا سازی شهدایی ازم پرسیده بود که برای کمک هستم یا نه؟ منم بهش گفته بودم نه.

هم کارای هیأت واقعا زیاد بود، هم من کلاً تو باغ

# شهادت



بود؟ مگر درسی غیر از این باید از شهدا می‌گرفتیم؟ بهش گفتم نگران نباش. من هستم. تا هر وقت طول بکشد می‌مونم. با هم تمومش می‌کنیم. -واقعا؟  
+ بله.

یعنی به وضوح آثار حیات رو دوباره توی چهره‌ی مرضیه دیدم و خلاصه که موندیم و شروع کردیم به فضا سازی داخل سرسرا و کلی هم طول کشید. مرحله‌ی آخر چسبوندن پوست‌های ثبت نام توی دانشکده بود. بهترین جا که توی دید همه بود روی درهای سنسوردار ورودی دانشکده بود. چون در ورودی بود همه می‌دیدن. ما هم به نظرمون خیلی فکر بکری کرده بودیم و این بهترین ایده بود و حتماً باید انجامش می‌دادیم. ولی یه مشکل وجود داشت. اونم اینکه به محض اینکه جلوی در قرار می‌گرفتیم سنسور در ما رو تشخیص می‌داد و در باز می‌شد. یعنی مکافات می‌بود چسبوندن این پوست‌ها روی در. کلی به حال و اوضاع خودمون خندیدیم. یه نفر چسب حلقه می‌کرد پوست‌ها رو آماده می‌کرد. اون یکی، با سرعت برق و باد می‌پرید جلوی در، همون طوری که تو هوا پریده بود، پَق، پوست‌رو می‌زد به در. یه ۴، ۵ تا پوست‌ها جاهای مختلف دو تا در زدیم. از یه جایی به بعد احساس کردیم دیگه می‌خوایم پوست‌رو بچسبونیم در باز نمیشه. به شوخی به مرضیه گفتم: «مرضیه! این دره دیگه فکر کنم منو می‌شناسه، می‌دونه نمی‌خوام برم تو، دیگه باز نمی‌شه.»  
بعد مرضیه خیلی خوب بود. خیلی عرفانی نگاه

مدیون شهید چمران می‌دونستیم و به همین دلیل اکران فیلم (چ) توی دانشگاه خیلی سر و صدا کرد و حسابی طرفدار پیدا کرد و یه جورایی همه‌ی بچه‌های مذهبی دانشگاه توی هر شکلی، به علاوه‌ی خیلی از غیر مذهبی‌ها همه امشب توی اکران فیلم شرکت می‌کردن. همه می‌دونستیم که امشب همه اونجان. ولی من علی‌رغم علاقه‌ی زیاد به شهید چمران کلاً حوصله هیاوو و شلوغی و هیچی رو نداشتم. آنقدر که حتی از چند طریق بهم گفتن ثبت نام می‌کنی؟ گفته بودم نه. کار دارم باید سریع برگردم خونه. و خلاصه من اصلاً برای دیدن فیلم ثبت نام نکرده بودم. همین که حوالی ساعت ۶ و نیم وارد سرسرا شدم، دیدم که مرضیه تک و تنها، خودش تنهایی ایستاده و داره فضا سازی می‌کنه. قیافه اش هم تو هم و اصلاً می‌شد توی قیافه اش خوند که: آخه من چه طور تنهایی برسم امروز این همه کارو تموم کنم؟

+ مرضیه! تو هنوز اینجا ای؟ نرفتی فیلم رو ببینی؟  
- نه. کارا مونده. این همه کار هست. وقتی هم نداریم.

+ پس بقیه بچه‌ها کجان؟ فلانی، بهمانی، بقیه؟  
- همه گفتن کار داریم یا خسته ایم یا می‌خوایم بریم فیلم رو ببینیم.

حقیقتش هر کار کردم که خودمو قانع کنم بی تفاوت بمونم و مرضیه رو تو همون وضع تنها رها کنم، نتونستم. واقعا چه طور می‌شد یه ادم متعهد مسیولیت پذیر رو که با وجود تنها موندن هنوز ایستاده، تنها رها کرد؟ مگر اخلاق شهدا غیر از این



می‌کرد. می‌گفت: «این همه اش برکت شهادت. شهادتیه کاری کردن این در باز نشه ما کار رو راحت انجام بدیم.»  
تو فکر این همه معنویت مرضیه بودم که گفتم: «عزیزم شهادت باعث نشدن این در بسته بمونه. نگهبان از داخل سنسور در رو خاموش کرده. این در دیگه کلاً باز نمیشه.»  
نه.

+ بله. موندیم پشت در. بدبختی وسایلمونم همه داخل سرسراس. حتی نمی‌تونیم بریم خونه. نه پولی نه گوشی. چه طوری بریم؟  
-انیس.

+ ها؟

-حالا چه کنیم؟

+ نمیدونم.

این بدبختی رو بذارید کنار اینکه الان شب بود. ظرفای ساعت ۸ و نیم. شب دانشگاه یعنی ظلمات مطلق. اصلاً قرار نبود کسی شب توی دانشگاه باشه و به خاطر همین کمترین تعداد چراغ، اونم فقط توی خیابون اصلی دانشگاه، با فاصله‌های زیاد. یعنی اگر مثلاً توی خیابونای شهری هر ۱۰ متر پایه چراغ هست. توی دانشگاه هر ۲۰ متر، شاید هر ۳۰ متر چراغ بود. خیلی تاریک بود همه جا. خیلی. بعد اصلاً این وقت شب اتوبوس هم نمی‌اومد که ما رو ببره دم در. اتوبوسا همه منتظر بودن فیلم تموم شه از اونجا بچه‌ها رو سوار کنن ببرن دم در. وگرنه به مخیله ی هیچ کس خطور نمی‌کرد که ساعت ۸ و نیم شب توی دانشگاه‌ها دانشجویی باشه. مرضیه گفت: «من الان زنگ می‌زنم به عاطفه (مسئول بسیج دانشگاه، دانشجوی ترم آخر، حسابی با تجربه)» خدایش هیچی به ذهنم نمی‌رسید. چی کار باید می‌کردیم واقعا. حالا مرضیه یه موبایل داشت. من همونم نداشتم. بعد یه عالمه وسیله وسط سرسرا پهن بود.

+ مرضیه الان داری زنگ می‌زنی به عاطفه که چی؟  
چی کار می‌تونه بکنه برامون؟

-نمی‌دونم بهش بگم حداقل یکی بدونه ما اینجا گیر کردیم. گوشیم خیلی شارژ نداره.

مرضیه زنگ زد و عاطفه هم بعد از تعجب بسیار گفت که چند تا از برادرارو الان می‌فرسته سمت مون که بیان دنبالمون ما رو ببرن محل اکران فیلم (چ) تا بعد بتونیم بعد از پایان فیلم با بقیه دانشجویها

سوار اتوبوس بشیم و بریم دم در دانشگاه و پولی قرض کنیم بریم خونه. هرچی با مغزم کلنجار می‌رفتم هیچ نمی‌تونستم قبول کنم چندتا برادر بیان دنبالمون. مرضیه که بچه ام رسماً خوشحال بود که دارن میان نجاتمون بدن. ولی من.

+ مرضیه! یعنی انصافاً صبر کنیم اینجا شبیه این دخترای لوس و بی دست و پا تا چهارتا جنتلمن بسیجی بیان از تو دهن اژدها نجاتمون بدن! بعد فیگور زورویی هم برامون بگیرن! بعدشم برن به ترسو بودن و لوس بودنمون بخندن؟ نه مرضیه!

من نمی‌تونم!

-خب پس چی کار کنیم؟

+ نمی‌دونم! فقط می‌دونم این یکی نه. وای وای وای. فرض کن. دهنشونم که چفت و بست نداره این برادرا! فردا تو دانشگاه بیچه این وقت شب اونا اومدن دنبالمون و چندتا پسر و دختر بسیجی با هم تنها بودن. نه مرضیه! اصلاً! عمراً!

کماکان ما دم در ورودی دانشکده، تو اون تاریکی، داشت علف زیر پامون سبز می‌شد. من واقعاً داشتم به مغزم فشار می‌آوردم که چه طوری میشه راهی برای وارد شدن به دانشکده پیدا کنیم. در رو بکوبیم؟ ولی نه فاصله ی دکه نگهبانی تا در ورودی خیلی زیاد بود. امکان نداشتم صدا بهش برسه.

+ مرضیه!

-بله؟

+ یه راهی به ذهنم رسیده. یعنی دو تاه راه.

-واقعا؟

+ اوهوم! ولی یه کم خطرناکه!

-چی؟

+ دو تا جاده ی فرعی که میرن پشت دانشکده.

-نه.

دو تا جاده ی فرعی بود که می‌رفت پشت دانشکده. از اونجا به وسط دانشکده می‌تونستیم دسترسی داشته باشیم. ولی جاده ی فرعی دیگه هیچ چراغی نداشتم. یعنی هر چقدر الان تاریک بود احتمالاً اونجا ده برابر تاریک تر بود. هم از سمت راست راه داشت هم از سمت چپ. هر دو تاش مخوف بود. ولی اون جاده ی سمت چپ که می‌رفت توی کورت های کشاورزی و کانال آب و قورباغه و مارمولک و اینا خیلی مخوف تر از جاده ی جنگلی سمت راست بود. انتخاب هر عاقلی بین این دو تا قطعاً جاده ی سمت راست بود.





+ مرضیه بدو بریم.

- من نمی‌آم. می مونم تا برادرا بیان.

+ یعنی تو واقعاً فکر میکنی برادرا میان؟

من می‌دونم اینا الان پشت خط به عاطفه دارابی گفتن چشم، تا تلفن قطع شده درگیر سیستم صوتی و... شدن اصلاً تلفن عاطفه یادشون رفته. حاضرم قسم بخورم تا صبح اینجا بشینی اونا نمی‌آن. آنقدر ترسو نباش دیگه. تاریکه ولی مسیر کوتاهه زود می‌دویم رد می‌شیم از جاده. و پشت کردم به مرضیه که حرکت کنم که. یه هو مرضیه گفت: «مامان بزرگم همیشه میگه دختر باید یه کم بترسه»

یعنی اصلاً یه لحظه همه ی معادلات ذهنیم خط خطی شد. نه می‌تونستم بهش بگم مامان بزرگت اشتباهه میگه (اثر سوء تربیتی داشت) و نه می‌تونستم بپذیرم که الان تو این موقعیت یه کم بترسم.

+ نه! یعنی آره. مامان بزرگت درست میگه. حالا ما فقط همین یه امشب رو نمی‌ترسیم، از فردا من خودم قول می‌دم همه اش یه کم بترسم. بیا بریم سر جدت.

- آخه اگر ما بریم بعد برادرا بیان چی؟

+ وای مرضیه من باورم نمیشه. ما الان تو این وضعیت گیر کردیم تو نگران برادرایه؟ چی میشه؟ هیچی نمیشه. این همه اونا تو کار فرهنگی ما رو غال گذاشتن، حالایه بارم ما اونا رو غال می‌ذاریم! انقدر کیف می‌ده. تازه مامان بزرگت میگه دختر باید یه کم بترسه منظورش دقیقاً همون برادراس. از اونا باید بترسی.

- انیس.

+ مرضیه نمی‌آن. به خدا نمی‌آن. اگر بیان من با اونا هیچ جا نمیرم. تو هم من نیام نمی‌تونی باهاشون هیچ جا ببری.

الانم من دارم میرم. بیای یا نیای من میرم. (دروغ گفتم. اگر نمی‌اومد هیچ جا نمی‌رفتم! می‌خواستم مجبورش کنم بیاد باهام.) و بالاخره مرضیه تسلیم شد و حرکت کردیم که بریم سر اون جاده ی کذایی. عرض دانشکده رو که توی جاده اصلی بود طی کردیم و رسیدیم به سر جاده ی فرعی که طولش به اندازه ی طول دانشکده بود الان دقیقاً اون جاده رو به روی ما بود. سر جاده که رسیدیم، از دیدن منظره ی رو به رو، فقط گفتم: «یا اباالفضل یعنی

حتی پاهای خودمونم نمی‌بینیم.»

- انیس بیا برگردیم.

+ مرضیه خیلی دلم می‌خواد ولی هیچ راه دیگه ای نداریم. نترس. گوشیت که هست. چراغ قوه ی گوشیت رو روشن کن حله. مرضیه چراغ قوه ی گوشیش رو روشن کرد ولی.

+ مرضیه! الان روشن کردی یعنی؟

- آره دیگه همینه.

+ بده من ببینم.

+ یا اباالفضل. اینجا رو بین اصلاً انگار تاریکی اینجا داره نور چراغ قوه رو می‌خوره.

چه طور ممکنه؟ یعنی حتی شعاع نیم متر رو به زور روشن می‌کرد. در حدی که فقط می‌تونستیم پاهامونو ببینیم. همین. مرضیه سفت بازومو چسبیده بود. منم خودم داشتم از ترس قالب تهی می‌کردم ولی به هر حال من بزرگتر از مرضیه بودم، مرضیه رو مثل خواهر کوچکترم می‌دونستم، یعنی یه حس اینکه الان من باید مراقبش باشم و این حرفا بود. به خاطر همین با اینکه خیلی ترسیده بودم ولی هر طور بود خودمو جلوی مرضیه نگه داشتم. بماند اینکه اگر مرضیه نبود می‌نشستم همونجا فقط جیغ می‌زدم و گریه می‌کردم. یعنی واقعاً حضورش قوت قلب بود. و خلاصه شروع کردم آهسته آهسته و هراسون هراسون قدم برداشتیم و حرکت کردیم. هر جا چراغ قوه خاموش می‌شد، درجا می‌ایستادیم و دست و پامونو گم می‌کردیم و سریع دوباره روشنش می‌کردیم. یعنی قشنگ مصداق این آیه از سوره ی بقره بودیم که: «لَمَّا أَصَاءَ لَهُمْ مَشْوًا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا».

فقط داشتم توی دلم از خدا می‌پرسیدم: «خدایا این جواب کدوم گناه منه، چیزی که همه تو قیامت می‌بینن من دارم الان توی دنیا می‌بینم» (بی شک تاریک مطلق قیامت با تاریکی مطلق دنیایی اصلاً قابل مقایسه نیست ولی خب دیگه تو حال و هوای ترس اون موقع این طوری فضا رو درک می‌کردم (دیگه)

- انیس! مسیر خیلی طولانی نشده؟

+ آره یعنی نه، میدونی نه که داریم آروم آروم میریم بعد اینجا هم تاریکه به خاطر همینه... وگرنه جاده که کش نمی‌آد که. منطقی باش. نذار احساسات بهت غلبه کنه.

- انیس! تو هم مثل من احساس می‌کنی به جز ما



یه عده دیگه هم اینجان؟  
+ها؟ یعنی مثلا کیا؟ از ما بهترن؟

\_اوهوم

\_خب باشن. ترس نداره که. ببین اونا هم یه موجودن مثل بقیه موجودات. مگه هر چی انسان نبود، باید ازش ترسید؟ مثلا گربه، جوجه، خرگوش هم انسان نیستن مگه ما ازشون می ترسیم. از ما بهترن هم همین ترس نداره که. فقط یه کم قیافه هاشون وحشت ناکه. همین.

\_مگه تو دیدی؟

+مگه تو ندیدی؟

\_انیس

+بابا من الان خودم جن ام. جن نبودم این موقع شب تو دانشگاه چه می کردم؟ بیا اینم پاهام ببین شم دارم.

مرضیه بنده خدا، داشت پاهامو نگاه می کرد.

+مرضیه! باورم نمیشه، داری پاهامو نگاه می کنی؟ من جن ام؟ یعنی الان تو شک داری من انیسم یا جن؟

\_انیس تو رو خدا دیگه از این حرفا نزنیم.

+باشه ولی اگر جن دیدی نترس.

\_انیس ولی من احساس می کنم هر لحظه یکی از پشت می پره رومون.

دروغ چرا؟ من خودمم هم چین حسی داشتم.

+مرضیه! تو هم این صدایی که من می شنوم می شنوی؟ یا هشیخ! خودت به دادمون برس!  
\_کدوم صدا؟

+همین صدا دیگه. چطور تو نمی شنوی؟

و خلاصه با همین بدبختی کل مسیر رو طی کردیم تا رسیدم به انتهای جاده و تونستیم وارد محوطه ی دانشگاه بشیم. حالا مسأله ی بعدی این بود که نگهبان یه مرد میان سال بود که تو دکه ی نگهبانی داشت چرت می زد و اصلا تو باغ نبود. چه طوری صداش می کردیم که مطمئن باشیم دو تا سخته با

هم نمیزنه؟ تهش به این نتیجه رسیدیم که سرفه کنیم. ولی به هر حال نگهبان با شنیدن اولین صدا عین فنرا از جاش پرید.

- شما دو تا اینجا چی کار می کنین؟

+ما داشتیم فضا سازی می کردیم که شما در رو بستین.

- من خیلی وقته در رو بستم! شما این همه وقت اونجا بودین؟

+بله! وسایلمونم همه این طرف بودن، باید بریم وسایل رو بذاریم تو اتاق بسیج بعد بریم خونه.

- خب من درهای این طرف هم بستم. بریم براتون در رو باز کنم.

نگهبان از جانبازهای جنگ بود و با دیدن ما حسابی سر دلش باز شد و وقتی فهمید داشتیم فضا سازی شهدایی می کردیم رفت توی خاطرات جبهه و جنگ و اینکه توی هور چه طور می رفتن برای شناسایی و قایق ها رو چه طور مخفی می کردن که عراقی ها نبینن. اصلا بنده خدا حرفاش تموم نمی شد! انگار خیلی وقته منتظره بایه آشنا حرف بزنه.

اون شب بالاخره تموم شد. موقع خدا حافظی به مرضیه گفتم: «خوش گذشت! برو دیگه با من نگرد.» بعد هم سوار اتوبوس شدم.

ترس برای همه ی آدمها هست. دیدین حتی بعد از برطرف شدن ترس، یه چیزی توی دلتون خالیه؟ یه لرزش خفیفی هنوز زیر زانوها می مونه. ماجرا خودش تموم شده بود ولی مگه فکرش ول می کرد. مدام چیزهای مختلف توی ذهنم رژه می رفت. اگر واقعا مرده بودم و توی تاریکی بدتر از این گیر می کردم چی؟ یه صدایی توی ذهنم بهم نهیب میزد که نه. به چیزای بد فکر نکن. به مردن فکر نکن. از اونور یه صدای درونی دیگه سر صدای قبلی فریاد میزد: چی میگی؟ مثلا اگر فکر نکنه نمی میره؟ مردن برای همه اس. دوباره صدای قبلی داد میزد: «نه. الان نه. میخوای دیوونه بشی؟ فکرهای منفی



می‌کردم. ذهنم منتقل شد به دعاهای کمیل شب های عملیات، به جبهه، به شهدا، حتی به حرف های نگهبان دانشکده که از تاریکی های هور گفته بود. تاریک باشه. هور باشه. تنهایی باشه. دشمن بی رحم بعثی در کمین باشه. تو باشی و مرگ هم هر لحظه کنارت باشه. این چه نیروی عجیبی بود که باعث می‌شد آدم همه ی عزیزانش که به کنار، حتی جان عزیز خودش رو بگیره کف دستش و بزنه به دل مرگ؟ هم‌اورد بطلبه و بگه مرگ؟ احلی من العسل! آره. یه نیرویی هست. بزرگتر از همه ی اونا. نزدیک تر از همه ی اونا. که شرایط جبهه باعث شده بود رزمنده ها عمیق تر و نزدیک تر حسش کنن. خدایی که در همین نزدیکی ست. و حرف های خصوصی من و شهدا. که بماند...

رو بریز دور.» بازم جواب می‌ومد که دیوانگی اینه که بدون آمادگی باهاش مواجه بشه. عصبانی از این دعوی درونی هر دو صدا رو پس زدم و با خودم گفتم: «اون دنیا دیگه مرضیه ای هم نیست. بی یار و بی رفیق چه کنم؟» خدایا خودت رحم کن! دلم یه دعای کمیل حسابی می‌خواست. ولی معمولاً مساجد پنجشنبه شب ها دعای کمیل داشتن و الان هم که پنج‌شنبه نبود. همون چندتا فرازی که همیشه توی دعای کمیل برام جلب توجه می‌کرد به ذهنم اومد. همون چندتا فرازی که همیشه عربیش بیشتر از ترجمه ی فارسیش به دلم می‌چسبید. یا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي ... هَيْهَاتَ! أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ ... چند قطره اشک. به سختی از آدمای توی اتوبوس قایم

# سرسهیل

قلب تاریخ است...





## ایرانم امن و امان است

◀ انیس و فائیان، طلبه سطح سه

بگویم. تحلیل های منطقی مگر آب و نان و جان می شود برای کودکان؟ مگر مرهم می شود برای جگر سوخته ی مادران؟ مگر خانه و کاشانه ی امن می شود برای مردمان؟ ما در بدیهی ترین اصول انسانی مانده ایم. کودکانه ترین مفاهیم را مسخ کرده ایم. ژست روشن فکرانه به چه کارمان می آید در این وانفسا؟ کودکانه هایم اما شاید فقط یک جا خریدار دارد.

کاش بود!

کودکانه می دویدم. عبایش را سفت می گرفتم و فقط های های گریه می کردم از دست بی رحمی های روزگارا! بگو کجایی بابای امت؟ از کدام دریچه می بینی این مصائب را؟ چرا رفتی؟ چرا تنه ایمان گذاشتی؟ اصلا چرا دیگر نیامدی؟ بس نیست این همه جدایی ما از شما؟ کافی نیست این محرومیت از حضورتان؟ بیا دیگر همه ی امید مسلمین! اصلا بیا همه ی ما دل نازکان را با خودت ببر به هر جا که میدانی. فقط ببر ما را از بین وحوش و درندگان این دنیا! دنیا با همه زر و زور و قدرت و گنج هایش ارزانی خودشان! بمانند و بدرند اندک انسانیت باقی مانده ی وجودشان را. اگر چیزی مانده باشد!

بیا آقا!

فقط بیا!

از پنجره ی اتاق به آسمان نگاه می کنم. همه جا تاریک است و آرام. نه نور های نازنجی بر تن سیاه شب خنجر می کشند و نه صدای تق تق آرامش شب را برهم می زند. همه جا امن و امان است. پدران و کودکان و مادران آرام در بستر خفته اند.

اینجا ایران است!

ای کاش غزه هم...

آرام صورتش را به صورتم چسباند. موهایم را محکم بین مشتش های کوچکش گرفت. پاهایش را در بغلم جمع کرد. با همان صدای کودکانه چندبار گفت: «مامانیس! مامانیس! مامانیس!» (مامان انیس) + عمر مامانیس. قلب مامانیس. نفس مامانیس. بخواب رودم.

چشم هایم آرام و بی صدا می باریدند. خدای من! بچه ی این سنی چه می فهمد از خشم روزگار؟ چه می فهمد از خطر؟ چه می فهمد از بمب و موشک و گنبد آهنینی که نیست؟ او فقط به ناگاه صدای مهیب را می شنود. درد را از بند بند وجودش حس می کند. ترس را با همه ی قلبش درک می کند. و چون نمی داند که چه بود و که بود و از کجا بود و برای چه بود، فقط به خود می لرزد. خیسی صورتم را می فهمد.

صدایش می لرزد و می گوید: «مامانیس! مامانیس!» و با دست های کوچکش اشک هایم را پاک می کند. + بله مامان! بخواب مامان! ببخشید مامان!

و بعد از چند دقیقه بی قراری بالاخره می خوابد. شب است و خستگی های یک روز طولانی. همه جا تاریک است و آرام و خنک و دنج. هنوز صورتش به صورتم چسبیده. بوی صورتش. عطر نفس هایش. گرمی تنش. خدایا شکر بر این نعمت! اما غزه.

کودکانش. مادرانی که هر لحظه فرزندشان را بی روح و سرد می بینند. چرا آدم بدها همیشه هستند؟ چرا دست از سر این دنیا و آدم ها بر نمی دارند؟ چرا از دریدن و سلاخی هزار هزار آدم خسته نمی شوند؟ اصلا گیرم همه ی دنیا برای آن ها باشد، دنیا مگر در نهایت به آن ها چه می دهد؟ از تحلیل های منطقی به تنگ آمده، دوست دارم کودکانه سخن









السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمُغْضُوبَةُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّادِقَةُ الشَّهِيدَةُ

### مادر هفت آسمان

علت فخر زمین و عزت دنیاست او  
 ماه تابان سماء و سایه فرش زمین  
 هم شفیع هر دو عالم هم شعاع نور حشر  
 فاطمه بهجة قلبی، چون بود در وصف او  
 جنت و فردوس و رضوان کل باغات بهشت  
 با ولایت همنشین و با شهامت هم قرین  
 مادر هفت آسمان و همسر مولاست او  
 محور اصل تجلی جنت المأواست او  
 چون شده خیر النساء و محشر کبراست او  
 جلوه ی روی نبی و بضعه ی طاهاست او  
 مظهر اسمای حسنی شاخه طوباست او  
 کعبه اهل ولاء و نور حق، زهراست او

شاعر: کبری شجیراتی، طلبه سطح دو



## فلسطین

در دلم باشد گمانت، جای قدری طاب؟! نه  
یاد آن روضه نمی‌افتی؟! به یاد آب.. نه؟!  
رت من! پیر و جوان و کودک و شاب... نه...  
دلبرا در فکر ابرویت دگر محراب، نه!  
رحم بر شعر تو هم حتی نشد سهراب، نه؟!  
عکس او گنجد به این حجم غمش در قاب، نه!  
می‌زنند دل را، به دریای پر از خوناب... نه...  
دیده ای نوزاد غرق خون در سرداب... نه؟!  
شب شده اما نمیرد بین‌شان، مهتاب، نه!  
دست عزرائیل از این غم های عالمتاب، نه؟!  
نامه ی اعمال غزه: غم، حرام؛ ایجاب، نه!  
دزد یک دژ گران، همچون وطن نایاب، نه؟!  
می‌کند هر پیر اُفتان را پَران چون راب، نه؟  
دیده ای هرگز چنین صحنه که باشد ناب، نه!  
کودکیست با پای زخمی گرم شور و داب، نه؟!  
گفته ام از سوز دل از باب استحباب، نه!  
دست و پاها میزنی از سنگی مرداب.. نه..!  
همره، ایران، عراق، لبنان در این گرداب، نه؟!  
حتما "او" باشد میان جنگ این احزاب، نه؟  
وقت پرواز است و من هم در تبم، هم تاب، نه!؟

در میان چنگِ گرگی، کودکی را دیده ام  
دیده ام من کودکی را دست های او جدا  
وای بر من، زیر آوارند صد ها جان کنون  
جز فلسطین در خیالم نیست حتی واژه ای  
آب گل کردند، سهرابا بیا این را ببین  
مادری را دیده ام در مقتل یک کودکی  
صیدِ ظلمند و چنین چون شیر غرّش می‌کنند  
گریه های بی امان کودکی جانم گرفت  
تازه دامادی که گور همسرش را کنده است  
من دلم می‌خواست یک بارم شده جان رادم  
در خیالم یک مَلک دیدم مرتب می‌نوشت  
دزد پر رویی که غاصب می‌شود را دیده ای!  
این تلاش بی بدل، حجم امید کودکان  
چون که سیلی می‌زند مظلوم بر یک ظالمی  
من امیدم را ز غزه یاد می‌گیرم که او  
گفته ام شعری که دل را هم تسلیش دهم  
کل دنیا می‌رسد بر دادت آخر، می‌رسد  
گر شود روزی جهانی جنگتان من می‌دوم  
باشد این دنیا برای عاشقان خسته اش  
گر ببینم لحظه ای فرزند حیدر جان دهم

شاعر: فاطمه عباسی، طلبه سطح دو



و تُرِيدُ أَنْ تُؤْمِنَ عَلَى الدِّينِ اسْتَضْعَفُوا  
و ما اراده کردیم که بر آن مردم ضعیف شده در روی  
فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ  
زمین متت گناریم و آنان را رهبران مردم کرده و وارثانشان نماییم

سوره انفصیل آیه ۱۰



رهبر انقلاب اسلامي | ۱۴۰۳/۸/۱۲

از روح شهيدا

بلاي مومنان

ادام راه

مک عزيم

يادتان باشد به کمک خداي متعال، با همراهي خداي متعال، با هدايت خداي متعال و بندگان خالص و صالح پروردگار ميتوانيم اين راه [رقم زدن نظم جهاني فردا] را طي کنيم. پيامبر اکرم، اهل بيت مکرمش، شهداي اين راه، شهيداني که در مقابل چشم ما به شهادت رسيدند، [مانند] شهيد نصرالله، شهيد هنيته، شهيد سليماني شهيد سنوار و از اين قبيل شهداي عزيزمان، از روح اينها کمک بخواهيم، استمداد کنيم، راه را پيش برويم.



## جدول ستونی با موضوع ادبیات عرب

۱۲	۱۵	۸	۶	۴		۱
					۳	
	۱۱			۵		
۱۳		۹	۷			
						۲
					ر	

رمز جدول ←

۱. اسم منصوبی که فعل بر آن واقع می‌شود.
۲. بر معنای مستقلی دلالت نمی‌کند.
۳. اسم معربی که به الف لازم ختم می‌شود.
۴. در علم نحو یکی از انواع مسند است.
۵. اسم مرفوعی که معمولاً معرفه است.
۶. از ادوات جازمی که فقط یک فعل را جزم می‌دهد.
۷. مخالف معرفه است.
۸. اسم مرفوعی که فعل تام و معلوم بر آن مقدم می‌شود.
۹. اضافه ای که در آن صفت به معمولش اضافه می‌شود.
۱۰. فعل محذوفی که می‌تواند متعلق جار و مجرور باشد.
۱۱. اسمی که به همزه پس از الف زائد ختم شده است.
۱۲. وقتی دو اسم پشت سر هم می‌آیند و هر دو یک کاربرد دارند به اسم دومی گفته می‌شود.
۱۳. لفظی که اعراب ظاهری نمی‌پذیرد اعم از فعل و اسم.

«رمز جدول ..... نویسنده کتاب ..... است.»

طراح سوال: مینا حسنوند، طلبه سطح دو



# ویژگی های یک خواب آرام و مناسب

◀ زینب کلهری؛ طلبه سطح دو

«دغدغه قلبی امروز من طب ایرانی اسلامی است؛ به آن بپردازید». مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۹۳/۴/۴

## ویژگی یک خواب خوب

خواب و بیداری طبیعی آن است که هرگاه فرد احساس نیاز به خواب پیدا کرد، بخوابد و هرگاه زمان مطلوب بیداری است بیدار شود. بهترین وقت خوابیدن هنگامی است که هضم معده انجام شده و غذا از دهانه معده عبور کرده باشد. خواب قبل از این زمان، موجب نفخ و رویاهای ترسناک می شود. بهترین ساعات خواب حدوداً از ساعت ۱۰:۳۰ شب تا ۳:۳۰ بامداد است. بیدار ماندن پیوسته در شب بسیار ناپسند و سحرخیزی ممدوح و شایسته است. وقتی سحر می شود و به صبح نزدیک می شویم، خواب در آن اوقات خاصیت دم زا دارد و تولید دم می کند. لذا بیدار بودن در آن موقع مورد تأکید است. فضیلت نماز شب نیز نزدیک صبح بیشتر است. بنابراین بهترین زمان خواب بعد از پاسی از شب شروع می شود تا فجر اول، که این زمان را باید استراحت کنید و بخوابید و بعد از آن می توانید بیدار باشید.

خوابیدن در حال گرسنگی باعث ضعف حرارت غریزی و لاغری بدن می شود. به همین علت، خواب بامداد، چون غذای شب هضم یافته معده خالی شده، مناسب نیست. خوابیدن در زمان بین الطلوعین، هنگام اذان ظهر و هنگام غروب آفتاب مذموم و مورد نهی است.

ما انسان ها حدود یک دوم از عمر خود را در خواب به سر می بریم و خواب بخشی از مسیر تکامل ماست. بی خوابی و بد خوابی از شایع ترین عوامل و مشکلات و بیماری های روزگار ما به شمار می رود و برخی به علت بد خوابی، بی خوابی یا پر خوابی دچار انواع بیماری های جسمی و روحی شده اند. قرآن کریم خواب را از نشانه های ویژه خدا می داند و می فرماید: «وَمَنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» از نشانه های قدرت پروردگار جهان، خوابیدن شما در شب و روز است. همه موجودات زنده برای تجدید نیرو و بدست آوردن آمادگی لازم برای ادامه کار و فعالیت، به استراحت نیاز دارند استراحتی که به طور طبیعی به آن احساس نیاز می کنند. قرآن کریم این ضرورت را یاد آوری می کند و می فرماید: «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا» اگر خواب نبود روح و جسم انسان بسیار زود پژمرده و فرسوده می شد. خواب مناسب و آرام، راز سلامتی و طول عمر و دوام نشاط جوانی است.





خوابیدن در روز خصوصاً در زمستان باعث ایجاد بیماری های رطوبتی و نزله می‌گردد. تباهی رنگ چهره، سستی بدن و کاهش اشتها از دیگر عوارض خواب روزانه است. افراد صفاوی فقط مجاز هستند قدری بعد از نهار خوردن با فاصله بخوابند و با شکم خالی نخوابند تا رطوبت به بدنشان برگردد. بیشترین ضرر خواب روز متوجه سرد مزاجان است. خواب روز نمی‌تواند جایگزین خواب شب باشد و افرادی که به خواب روز عادت دارند باید به تدریج تغییر عادت دهند. خوابیدن در آفتاب به علت تحریک اخلاط و صفر سبب سنگینی دماغ و سردرد می‌شود.

بیداری بیش از حد موجب از بین رفتن رطوبات اصلی بدن، اختلال هضم، خشکی مغز و احتراق اخلاط می‌شود. خواب معتدل ۶ ساعت است و نباید از ۱۰ ساعت بیشتر شود. محل خواب هر شخص باید بر حسب مزاج او از نظر حرارت و برودت در دمای مناسبی باشد و در محل خیلی سفت نباشد که موجب آسیب به عصب می‌شود. مکان خواب باید در تاریکی مطلق باشد. لذا استفاده از چراغ خواب در حالت طبیعی به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. اما در فصل تابستان در زیر آسمان و فضای باز بخوابید و آسمان را نگاه کنید.

### شیوه خوابیدن

شیوه نیکو، خوابیدن به پهلو راست و رو به قبله است؛ یعنی به گونه ای بخوابید که پهلو راست و صورت رو به قبله باشد. منظور از رو به قبله خوابیدن این است که سر رو به مغرب و پا رو به مشرق قرار گرفته و صورت رو به قبله باشد. شکل صحیح خوابیدن نیز حالت جنینی است. خوابیدن رو به قبله باعث می‌شود تا سودا در مغز رسوب

کمتری داشته باشد و از سکتة مغزی پیشگیری شود. به پشت خوابیدن به علت تجمع ترشحات دماغی در منافذ مربوط، موجب عوارض متعددی مانند بی خوابی، کابوس، نزله و درد پشت می‌شود. هیچ وقت در معرض امواج الکترومغناطیسی نخوابید. توصیه می‌شود گوشی تلفن همراه خود را هنگام خواب، خاموش یا از محل خواب دور کنید. شنیدن صدای دل انگیز طبیعی همچون صوت قرآن، صدای آب یا باد در برگ درختان نیز به خواب کمک می‌کند. برای داشتن خواب آرام نوشیدن دم کرده ی بهارنارنج بعد از خشک شدن، یکی دو ساعت قبل از خواب نیز نافع است. همچنین قراردادن دستمال معطر با گلاب در کنار بینی توصیه شده است.

خواب در روز باعث افزایش بیماری های رطوبتی و ترشحات غیرطبیعی سینوس ها، بدبویی دهان، بزرگی طحال، ضعف قوای نفسانی، کندی ذهن و کاهش حافظه، بی میلی و بی اشتها، ورم بدن، کاهش شادابی و طراوت پوست و ضعف قوه هاضمه می‌شود.

افراط در بیماری نیز باعث تجمع مواد زائد در بدن، کاهش رطوبت ضروری بدن، اختلال در هضم، اختلال در مزاج طبیعی، خشکی مغز و سوختن اخلاط می‌شود.

### انواع خواب روز

◀ خواب قیلوله (عذاب): خواب بین الطلوعین، یعنی از طلوع فجر (اذان صبح) تا طلوع آفتاب که مذموم و البته مضر است. در روایات از خوابیدن قبل از طلوع آفتاب بسیار نهی شده و مکروه است.

◀ خواب لعنت (فیلوله): خواب بعد از طلوع آفتاب است که انسان را کسل می‌کند و باعث کاهش حافظه می‌شود.







بالتر از پا باشد. بدین ترتیب خون از سر و سینه به سمت پاها حرکت می‌کند و باعث خواب راحت می‌شود. لباس در هنگام خواب باید گشاد باشد تا مانع حرکت خون در رگها نشود. هنگام خواب حتماً باید پوششی روی خود بکشیم چون در هنگام خواب، حرارت به باطن می‌رود و سطح بدن سرد می‌شود. لذا با تغییر دمای اندک هم امکان بیماری وجود دارد. لحاف و روانداز نباید چندان سنگین باشد که باعث عرق کردن شود.

امام هادی (ع) می‌فرمایند: «ما اهل بیت هنگام خواب ۱۰ خصلت را رعایت می‌کنیم: با وضو و طهارت بودن، زیر سر قرار دادن دست راست، ۳۳ بار سبحان الله گفتن، ۳۳ بار الحمد لله گفتن، ۳۴ بار الله اکبر گفتن، صورت به سمت قبله کردن، تلاوت سوره فاتحه الكتاب، آیت الکرسی، شهادت الله انه لا اله الا هو تا آخر» هرکس این گونه عمل کند در آن شب بهره اش را گرفته است.

### توصیه‌هایی کاربردی

هر روز به طور منظم ورزش کنید. پیاده روی مناسب است و به بهتر شدن خواب کمک می‌کند. عادت کنید شب‌ها در ساعت معینی به رختخواب بروید و صبح سر ساعت معینی بیدار شوید.

وقتی واقعاً خوابتان می‌آید به بستر بروید.

قبل از خواب دوش آب گرم بگیرید.

شام غذای سبک بخورید.

از نوشیدن مایعاتی چون چای، نوشابه و دیگر مواد محرک خودداری کنید.

به آرامی غذا بخورید. عجله در خوردن غذا باعث خوب نجویدن غذا می‌شود و کار معده را در هضم غذا دشوار می‌کند در نتیجه دیرتر به خواب می‌رویم.

از خوردن محرک‌ها مثل گوشت، شکلات، قهوه، چای و نوشابه قبل از خواب خودداری کنید. برعکس خوراکی‌هایی مانند: شیر و عسل که کلسیم دارد، بهترین درمان برای بی‌خوابی است. کمبود روی، آهن، کلسیم و مس موجب بی‌خوابی می‌شود.

رنگ‌های مناسب برای خوابیدن سبز کم‌رنگ و آبی ملایم است. بدترین رنگ‌ها نیز قرمز و زرد هستند. بنابراین در رنگ اتاق خواب خود نیز دقت کنید.

(برگرفته از کتاب کلیات طب اسلامی، محمد علی اخوان)

◀ خواب قیلوله (راحت): خواب یک ساعت قبل از ظهر تا ظهر و بعد از نماز ظهر تا عصر که مستحب است و اگر در آن وقت کسی خواب ببیند دروغ نمی‌شود.

◀ خواب بعد از ظهر: در فصول گرم و برای صفاوی‌ها در حد یک ساعت مانعی ندارد.

◀ خواب حیلوله: خواب بعد از ظهر یا خواب موقع ظهر است. چون این خواب حائل و فاصله‌ی بین ظهر و نماز ظهر است و چون تأخیر نماز اول وقت ناپسند است، خوابیدن در این وقت خوب نیست. خواب بعد از عصر: مکروه است. چنانچه از حضرت علی (ع) روایت است: «خوابیدن بین الطلوعین و بین العشائین (بین نماز مغرب و عشاء) موجب پریشانی و فقر می‌شود.»

◀ خواب غیلوله: در انتهای روز و نیم ساعت به غروب که بسیار نهی شده و موجب بیماری است. (غلیله = هلاکت)

◀ خواب رخصت: (خوابی که اجازه داده شده) خوابیدن بعد از نماز عشاء است.

◀ خواب حسرت: خوابیدن در شب جمعه.

◀ خواب بدبختی: خوابیدن در وقت نماز.

◀ خواب غفلت: خوابیدن در مجلس پند و یادآوری.

### آداب خوابیدن

باید پیش از وقت خواب برای آن آماده شد. یعنی تا حد امکان از کار و اعمال صحیح و درگیری‌های ذهنی خودداری کرد. چون اگر بلافاصله پس از این امور به خواب برویم، سبب اختلال در خواب می‌شود. برای استراحت کامل مغز در خواب باید خون را به سمت پاها سوق داد و برای این کار دو راه توصیه می‌شود: یکی آنکه پاها را گرم‌تر از سر نگه داریم و دیگر آنکه رختخواب را به نحوی سرازیر قرار دهیم که طرف سر رختخواب ۱۵ تا ۱۵ سانتی‌متر



# بفرمائید شیرینی شب عید! قطاب یزدی

زهرا حیدریان؛ طلبه سطح دو

که قل زد، تمام آرد را اضافه می‌کنیم و هم می‌زنیم. خمیر جمع می‌شود و نیازی به ورز دادن ندارد. تا زمانی که خنک می‌شود مواد میانی را آسیاب کرده و به همراه کمی گلاب یا آب خمیری می‌کنیم تا انسجامش بیشتر باشد.

خمیر را پهن کرده و با قالب دایره ای که قطر آن ۵ سانت باشد، دایره ای از خمیر درمی‌آوریم و داخلش را با مواد پر می‌کنیم و به شکل توپی در می‌آوریم. دقت کنید آنقدر پرنباشد که هنگام سرخ کردن خمیر باز شود.

قطاب ها را سرخ کرده و بعد از دو ساعت خنک شدن به پودر قند آغشته می‌کنیم. مواد را کم و زیاد نکنید که باعث شکنندگی شیرینی می‌شود. اگر در ظرف در بسته باشد تا یک هفته در یخچال قابل نگهداری است.

می‌توان قطاب ها را در فر به مدت ۱۰ تا ۲۰ دقیقه در دمای ۱۶۰ درجه هم آماده کرد.

نوش جان

## مواد لازم:

آب ۲۰۰ میلی لیتر  
آرد شیرینی پزی ۲۵۰ گرم  
کره یا روغن ۸۰ گرم  
مواد میانی: گردو خرد شده ۵۰ گرم  
بادام خرد شده ۵۰ گرم  
شکر  
هل و دارچین  
پودر نارگیل  
گلاب ۲ قاشق چای خوری  
پودر قند برای تزئین روی شیرینی

دستور تهیه: همه این مواد اختیاری هستند و حتی می‌شود از خرده شیرینی هم استفاده کرد. ولی به همراه این مواد شیرینی تان خوشمزه تر می‌شود. آب و کره یا روغن را می‌گذاریم جوش بیاید زمانی





## گزارش تصویری واحد آموزش



نظارت گروه علمی از مباحثات



بازدید مدیر حوزه های علمیه حجت الاسلام و المسلمین آقای فاضل از آزمون پذیرش سطح دو



برگزاری امتحانات ترم



نشست تخصصی با اساتید سطح ۳



راهیابی به مرحله کشوری المپیاد علمی



تدریس سطح ۳ رشته مدیریت آموزشی





اهدای جوایز طلیعه حضور سطح دو



جلسات نمایندگان کلاس با امور کلاسداری



کارگاه تخصصی ماهانه اساتید



مصاحبه طلاب سطح ۲



مباحثات علمی طلاب سطح دو



مباحثات علمی طلاب سطح دو



## گزارش تصویری واحد پژوهش



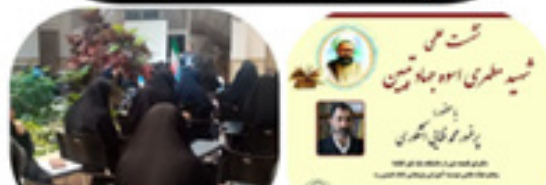
بازدید سرکار خانم متولیان معاون پژوهش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و خانم حیاتی معاون پژوهش مدیریت استان



کارگروه مقالات پایانی سطح دو



نشست ارتقای توان پژوهشی طلاب



نشست علمی با موضوع شهید مطهری اسوه جهاد تبیین



پذیرش طلاب مدرسه در جشنواره علامه حلی



کارگاه های آموزش مهارت مقاله نویسی



# واحد فرهنگی



برپایی نمایشگاه نزدیک قله ایم به مناسبت دفاع مقدس



بازدید جناب آقای دکتر ایروانی  
موسس مدرسه علمیه تخصصی آیت الله ایروانی



کارگاه معرفی آثار استاد علی صفائری حائری



برگزاری دوره طرح ولایت



دوره تربیت مربی روان خوانی



برگزاری کارگاه منطق استعمار با حضور استاد فوجی



# مظلوم اما مقتدر

در کنار مظلومیت مردم غزه دو نقطه‌ی مهم وجود دارد. یک نقطه صبوری و توکل این مردم است. نکته‌ی مهم دیگر این است ضربه‌ای که در این حمله رزمندگان فلسطینی به رژیم غاصب وارد شد یک ضربه تعیین‌کننده است.

مقام معظم رهبری  
۱۴۰۳/۸/۳

